



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

دانشکده: علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: علوم سیاسی

عنوان:

رویکرد جمهوری اسلامی ایران

به صلح در جهان امروز

استاد راهنما:

دکتر محمد ستوده آرانی

استاد مشاور:

حجه الاسلام و المسلمین دکتر نجف لک زایی

نگارش:

علی خلجی

شهریور 1390

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هدیه به پیشگاه امام عصر حضرت حجت ابن الحسن، مهدی

موعود، منجی عالم بشریت و پیام آور عدالت و صلح در جهان

تشر و قدردانی

به ثمر رسیدن این اثر مرهون راهنمایی ارزشمند، عالمانه، مشفقانه و بی دریغ اساتید فرهیخته جناب آقای دکتر محمد ستوده و حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر لکزایی می باشد که صمیمانه از ایشان تشر و قدردانی می نمایم.

همچنین از پدر فاضل و ارجمند و مادر مهربانم که همواره دعایشان توشه راهم بوده است، کمال تشر را دارم.

و نیز از صبوری و گذشت همسر دلسوز و فرزندان دلبندم که در طول این مدت مرا تحمل کردند قدردانی می نمایم.

چکیده:

مسئله صلح، یکی از آرزوهای مهم و دیرینه بشر در طول تاریخ بوده است که امروزه نیز از مسائل اصلی و اساسی دولتها در عرصه نظام بین الملل می‌باشد. مهمترین وجه صلح، مربوط به پایداری و عادلانه بودن آن است که همه کشورها بر آن تأکید دارند. فرضیه‌ای که این پژوهش در پی اثبات آن است، این است که ایران اسلامی رسیدن به صلح پایدار را، در گرو اجرای عدالت در روابط بین الملل می‌داند و بر این اساس برقراری آرامش و امنیت در روابط کشورها با یکدیگر، بر اساس ایمان به عدالت و در سایه دستورات الهی تحقق می‌یابد.

حداقل دو رویکرد ایجابی و سلبی در تعریف صلح وجود دارد. رویکرد اسلام نیز معطوف به جنبه سلبی صلح نمی‌باشد، بلکه صلح واقعی بر آمده از وضعیتی است که در آن حقوق ملتها رعایت شده و عوامل تهدید صلح از بین برود. وضعیت کنونی نظام بین الملل به گونه‌ای است که تحقق صلح در آن، به خاطر تهدیدات عمده‌ای که وجود دارد، ممکن نمی‌باشد. جمهوری اسلامی ایران به این وضعیت انتقاد داشته و عواملی از قبیل رقابت تسلیحاتی، رقابت قدرتهای بزرگ، تروریسم، ظلم، فقر و گرسنگی را، از جمله عوامل تهدید صلح در جهان می‌داند.

برای تحقق صلح، در دو شاخص عمده باید تحول اساسی صورت پذیرد. تحول در کارگزار انسانی که با تربیت انسانها و سرمشق قرار گرفتن از تعالیم انبیاء و با ایمان، عدالت و تهذیب انسانها ممکن خواهد شد. تحول دوم در ساختار روابط بین الملل است که با رفع سیستم رقابتی قدرتهای بزرگ، احترام به حق حاکمیت ملتها، توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌های بین المللی صورت می‌پذیرد. این تحول در سازمانهای بین المللی نیز به صورت تحول در رهبری، استقلال سازمان، رفتار و قوانین سازمانهای بین المللی، صورت می‌گیرد. در عین حال از منظر ایران اسلامی، تحول در کارگزار انسانی مهمترین راهکار دست یابی به صلح پایدار و عادلانه می‌باشد.

واژگان کلیدی: صلح، نظام بین الملل، جمهوری اسلامی ایران، صلح عادلانه

فهرست تفصیلی مطالب

ی	چکیده:
أ	فهرست تفصیلی مطالب
د	مقدمه:
د	طرح تفصیلی پژوهش
1	بیان مسئله
1	سؤال اصلی
2	فرضیه
2	مفروضات
2	سؤالات فرعی
2	مفاهیم و متغیرها
3	اهداف
3	سابقه
5	روش گردآوری اطلاعات
5	سازماندهی
6	فصل اول
6	مفاهیم و چارچوب نظری
8	تعاریف صلح
10	تحول در مفهوم صلح
11	رابطه مفهوم صلح و امنیت:
12	موضوع صلح در نظریه‌های روابط بین الملل
13	الف) نظریه واقع گرایی:
16	ماهیت انسان از منظر واقع گرایی
17	1- ماهیت انسان از نظر ماکیاولی
19	2- ماهیت انسان از نظر هابز
19	ب) نظریه نو واقع گرایی:
21	ج) نظریه لیبرالیسم:
22	ماهیت انسان از منظر لیبرالیسم:
23	1- ژان ژاک روسو:
24	2 - گرسیوس:
24	3 - کانت:
27	د) نظریه سازه انگاری
31	هویت و شکل گیری منافع:
34	دولت در نگاه سازه انگاری

34	حاکمیت در سازه انگاری
35	ه) نظریه اسلام.....
36	1) مفهوم صلح عادلانه در اسلام:.....
37	3) نظریه اصالت جنگ:
43	3) نظریه اصالت صلح:.....
49	4) اصالت صلح و استثناء جنگ
52	5- دستاوردهای نظری
55	خلاصه فصل اول.....
	Error! Bookmark not defined. فصل دوم
	Error! Bookmark not defined. وضعیت صلح در روابط بین الملل موجود از دیدگاه
	Error! Bookmark not defined. جمهوری اسلامی ایران
	Error! Bookmark not defined. مقدمه
	Error! Bookmark not defined. انقلاب اسلامی و هویتی متفاوت در عرصه نظام بین الملل
	Error! Bookmark not defined. الف) رویکرد امام خمینی به صلح در روابط بین الملل
	Error! Bookmark not defined. 1- نقش کار گزاران انسانی در ایجاد صلح بین المللی
	Error! Bookmark not defined. انسان موجودی دو ساحتی:
	Error! Bookmark not defined. انسان موجودی تربیت پذیر:
	Error! Bookmark not defined. 2- وضعیت صلح از دیدگاه امام خمینی در جهان امروز.
	Error! Bookmark not defined. 3) عوامل تهدید در روابط بین الملل موجود
	Error! Bookmark not defined. قدرتهای بزرگ:
	Error! Bookmark not defined. رقابت تسلیحاتی:
	Error! Bookmark not defined. تروریسم:
	Error! Bookmark not defined. استعمار ملل تحت ستم:
	Error! Bookmark not defined. گرسنگی و فقر:
	Error! Bookmark not defined. سازمانهای بین المللی:
	Error! Bookmark not defined. حقوق بشر:
	Error! Bookmark not defined. اسرائیل:
	Error! Bookmark not defined. ب) رویکرد مقام معظم رهبری به صلح در روابط بین الملل
	Error! Bookmark not defined. 1- نقش کار گزار انسانی در ایجاد صلح بین الملل:
	Error! Bookmark not defined. دو ساحتی بودن انسان:
	Error! Bookmark not defined. اراده انسان:
	Error! Bookmark not defined. 2- وضعیت صلح از دیدگاه مقام معظم رهبری در جهان امروز.
	Error! Bookmark not defined. 3) عوامل تهدید صلح در روابط بین الملل موجود
	Error! Bookmark not defined. ساختار نظام بین الملل سلطه:
	Error! Bookmark not defined. الف) جایگاه کشورها در نظام بین الملل سلطه

Error! Bookmark not defined. (ب) جایگاه کشورهای اسلامی در نظام بین الملل سلطه
 Error! Bookmark not defined. رقابت تسلیحاتی:
 Error! Bookmark not defined. تروریسم:
 Error! Bookmark not defined. سازمانهای بین المللی:
 Error! Bookmark not defined. حقوق بشر:
 Error! Bookmark not defined. گرسنگی و فقر:
 Error! Bookmark not defined. اسرائیل:
 Error! Bookmark not defined. خلاصه فصل دوم
 Error! Bookmark not defined. فصل سوم
 Error! Bookmark not defined. راهکارهای برقراری صلح پایدار و عادلانه
 Error! Bookmark not defined. در روابط بین الملل از منظر ایران اسلامی
 Error! Bookmark not defined. مقدمه:
 Error! Bookmark not defined. 1- تحول در کار گزار انسانی روابط بین الملل
 Error! Bookmark not defined. الف: لزوم تربیت انسانها
 Error! Bookmark not defined. ب: سرمشق قرار دادن انبیاء الهی
 Error! Bookmark not defined. ج: ویژگی کار گزار
 Error! Bookmark not defined. 1- ایمان به خدا
 Error! Bookmark not defined. 2- عادل بودن
 Error! Bookmark not defined. 3- مهذب بودن
 Error! Bookmark not defined. 2- تحول در ساختار روابط بین الملل
 Error! Bookmark not defined. الف - حذف سیستم رقابتی قدرتهای بزرگ و سلطه آمریکا
 Error! Bookmark not defined. ب - احترام به حق حاکمیت ملتها
 Error! Bookmark not defined. د- وضع قواعد و قواعد و مقررات عادلانه بین المللی
 Error! Bookmark not defined. 1- تحول در منابع قانون گذاری
 Error! Bookmark not defined. 2- مقابله با ناقضین قوانین بین الملل
 Error! Bookmark not defined. 3- رعایت عادلانه حقوق بشر
 Error! Bookmark not defined. 4- رعایت منافع مستضعفین جهان
 Error! Bookmark not defined. 5- مقابله با قوانین تبعیض آمیز
 Error! Bookmark not defined. ه- تحول در نهادها و سازمانهای بین المللی
 Error! Bookmark not defined. 1- تحول در رهبری و هدایت سازمان بین المللی
 Error! Bookmark not defined. 2- استقلال نهادها و سازمانهای بین المللی
 Error! Bookmark not defined. 3- تحول در رفتار سازمانهای بین المللی
 Error! Bookmark not defined. 4- لزوم اعتبار داشتن سازمان بین المللی
 Error! Bookmark not defined. خلاصه فصل سوم
 Error! Bookmark not defined. نتیجه:

مقدمه:

طرح تفصیلی پژوهش

بیان مسئله

یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی و روابط بین الملل، مربوط به مطالعات صلح می باشد. دست یابی به صلح از خواسته های همه کشورها، سازمانها و نهادهای بین المللی است. در این زمینه دیدگاهها و نظرات متعددی مطرح شده است. مطالعات صلح، در سالهای پس از جنگ جهانی اول 1914-1919 اهمیت یافت. که البته با گذشت زمان در نیمه دوم قرن بیستم از اهمیت بیشتری برخوردار گردید و در این مقطع بود که نظریات اندیشمندانی مانند کانت درباره صلح پایدار شهرت خاصی یافت. نظریات ضد جنگ و خلع سلاح عمومی در قالب نظریه های ایده آلیستی که در پی کنترل نظام بین الملل و جهت دهی به سیاست ها، و رفتار دولتها، جهت دستیابی به صلح عمومی میان کشورها هستند. و در مقابل، نظریات واقع گرایی، که نگاه خوشبینانه ای به صلح پایدار در روابط بین الملل ندارند، دو نظریه مسلط درباره صلح در نظام بین الملل می باشند. در این میان، بیان دیدگاهها و نظرات جمهوری اسلامی ایران درباره ماهیت و ابعاد صلح در عرصه روابط بین الملل، اهمیت می یابد زیرا جمهوری اسلامی ایران همواره دست یابی به صلح واقعی و پایدار را مورد تأکید قرار داده است. در عین حال از طرف کشورهای قدرتمند، مانند امریکا به جنگ افروزی و شرارت متهم شده است. علاوه بر آن، اسلام نیز به عنوان منبع قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران، از طرف غرب به عنوان دینی جنگ طلب معرفی می گردد. لازم است مسئله صلح و نوع نگاه ایران اسلامی به نظام بین الملل و ماهیت روابط کشورها مورد مطالعه قرار گیرد.

سؤال اصلی

ایران اسلامی دارای چه رویکردی جهت رسیدن به صلح پایدار در روابط بین المللی (جهانی)

می باشد؟

فرضیه

ایران اسلامی رسیدن به صلح پایدار را، در گرو اجرای عدالت، در روابط بین المللی (جهانی)

می داند.

مفروضات

1- مؤلفه‌های صلح از منظر ایران اسلامی با مؤلفه‌های صلح از منظر غرب تفاوت دارد.

2- برقراری صلح، از اهداف مهم دولتهاست.

سؤالات فرعی

1- وضعیت صلح در روابط بین الملل موجود از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران چیست؟

2- راهکارهای برقراری صلح پایدار و عادلانه در روابط بین الملل از منظر ایران اسلامی

چیست؟

مفاهیم و متغیرها

مفاهیم:

رویکرد: ترجمه کلمه approach است و به معنای راهی که ما را به مقصد و کیفیت بالاتر

رهنمون می سازد.

روابط بین الملل: مجموعه اقدامات و واکنشهای متقابل واحدهای حکومتی و نیز نهادهای غیر

دولتی و همچنین روندهای سیاسی میان ملتها اطلاق می شود.

صلح عادلانه: برقراری آرامش و امنیت در روابط کشورها بایکدیگر بر پایه ایمان به عدالت در سایه

دستورات الهی می باشد.

متغیر مستقل: عدالت در روابط بین الملل

متغیر وابسته: صلح عادلانه

اهداف

این پژوهش، ابعاد رویکرد جمهوری اسلامی ایران را نسبت به مسئله صلح جهانی در عرصه روابط بین الملل مشخص می کند. این دیدگاه می تواند در روابط بین الملل و سیاست خارجی مورد استفاده قرار گیرد.

پژوهش فوق به جهت رفع اتهام از جمهوری اسلامی ایران، که از سوی کشورهای غربی به خشونت و حمایت از تروریسم، متهم است، ضرورت دارد و در این پژوهش باید با بیان علمی و تخصصی رویکرد واقعی ایران که صلح پایدار بر اساس آموزه های دینی است مطرح گردد.

علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده

برقراری صلح و جلوگیری از خشونت و جنگ از اهداف مهم دولت ها در عرصه بین الملل می باشد و روند تکاملی روابط بین الملل در گرو تحقق یافتن صلح واقعی است. تبیین رویکرد ایران اسلامی می تواند به ادبیات نظری آن کمک نموده و دیدگاه های مسالمت آمیز ایران را نشان دهد.

سابقه

در حوزه مطالعات صلح و رویکرد ایران به صلح در جهان امروز، متأسفانه پژوهش گسترده ای صورت پذیرفته است و عمده پژوهش هادر حوزه مطالعات صلح و جنگ از نظر اسلام می باشد. ذیلاً به چند اثر مهم تر اشاره می نمایم.

آثار جنگ از دیدگاه فقه اسلامی و هبه زحیلی

این اثر در نوع خود، نخستین اثری است که مبحث جنگ و صلح را، در اسلام و حقوق بین الملل عمومی به طور گسترده و مبسوط مورد پژوهش قرار داده است. و تلاش داشته که اصل در روابط میان مسلمانان و غیر مسلمانان را، بر اساس صلح نمایان سازد. با این همه دلایل اصالت صلح از استحکام لازم برخوردار نیست و با این که نویسنده اهل تسنن بوده و از بیان دیدگاه‌های شیعی غفلت نکرده است اما مغفول ماندن برخی از دیدگاه‌ها در این اثر مشهود می‌باشد.

جنگ و صلح در اسلام علی تقی زاده اکبری (پژوهشکده تحقیقات اسلامی)

این پژوهش درباره ی مؤلفه‌ها و تدوین نظام دفاعی اسلام می‌باشد و مبحث قوانین و مقررات جنگ و صلح را در اسلام بیان نموده، اما به مبحث صلح در روابط بین الملل و نیز دیدگاه جمهوری اسلامی ایران به صلح در جهان امروز اشاره‌ای نداشته است.

صلح و منازعه در روابط خارجی دولت اسلامی حسین ارجینی

هدف اصلی نویسنده ی کتاب، تئوری پردازی درباره ی مبانی روابط خارجی دولت اسلامی می‌باشد. و به بیان آرا و اندیشه ی فقها، در روابط خارجی دولت اسلامی پرداخته است. نویسنده در این اثر نظریه ی صلح عزت مدار را مطرح می‌کند و نتیجه می‌گیرد صلح در روابط خارجی دولت اسلامی به معنای بی تفاوتی و محصور شدن در داخل مرزهای ملی نیست و دولت اسلامی باید بر اساس اصول ترسیم شده‌ای مانند عدالت، پابندی به تعهدات، حفظ عزت با دیگر دولت‌ها رابطه داشته باشد. در این کتاب نظریه ارائه شده از انسجام کاملی برخوردار نیست همچنین نویسنده به ساختارهای موجود در روابط بین الملل توجه نداشته و واقعیات موجود را در نظر نگرفته است.

حقوق جنگ و صلح عبدالاحمد فیاض جاغوری

نویسنده این کتاب به مفهوم جنگ، جهاد و صلح پرداخته و عمدتاً به صلح از منظری سلبی توجه کرده است. هم چنین نویسنده با یک نگاه فقهی، به بیان برخی از قوانین و مقررات جنگ و جهاد پرداخته و به ابعاد بین المللی آن و نیز واقعیات موجود کمتر پرداخته است.

جنگ و صلح در قانون اسلام دکتر مجید خدوری، دکتر حمید الله حیدرآبادی

نویسنده کتاب از مسیحیان عراقی مقیم آمریکا است. او با استناد به مدارکی در زمینه ی جنگ و صلح بر طبق قوانین و مقررات اسلام، این کتاب را تألیف نموده است. کتاب فوق الذکر، عمدتاً چگونگی روابط مسلمین را با سایر ملل در روابط بین دول در گذشته نشان می دهد. هرچند تلاش هایی نیز برای تطبیق دادن اسلام، با اصول و مقاصد روابط بین الملل کنونی نیز کرده است، با این همه استنادات در این کتاب نیاز به بحث و نقد دقیق متخصصان و فقیهان می باشد.

روش گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات و داده ها بصورت کتابخانه ای می باشد.

سازماندهی

این پژوهش در سه فصل و با هدف بررسی و تحلیل رویکرد جمهوری اسلامی ایران به صلح در جهان امروز و با توجه به ادبیات سازه انگاری و بر اساس رویکرد اسلام به صلح مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

درفصل اول این رساله، کلیات و مفاهیم و چارچوب نظری بحث شده است و صلح در رویکردهای مختلف بررسی، و نهایتاً صلح از منظر اسلام تحلیل شده و به عنوان اصل اولیه مورد تأکید قرار می گیرد.

درفصل دوم نیز تلاش خواهد شد، وضعیت صلح در روابط بین الملل موجود، از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران بررسی شود.

فصل سوم، به راهکارهای برقراری صلح پایدار و عادلانه، در روابط بین الملل از منظر ایران اسلامی اشاره خواهد گردید.

در پایان نیز، جمع بندی و نتیجه گیری از مجموع مباحث ارائه خواهد گردید.

فصل اول

مفاهیم و چارچوب نظری

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

تعاریف صلح

یکی از مفاهیم مهم و ارزشمندی که بشر همواره آرزوی تحقق آن را داشته، صلح است. صلح از جمله واژه‌های مورد بحث در تمام مکاتب روابط بین الملل می‌باشد. تمام نظریه پردازان تلاش داشته اند، تا تصویر روشنی از صلح در نظام بین الملل نشان دهند. به عبارت دیگر هدف از تلاش یک نظریه پرداز، اهتمام در تعریف دقیق پدیده‌ای چون صلح، در نظریات روابط بین الملل است. زیرا صلح مهمترین مقصود در عرصه نظام بین الملل می‌باشد.

برای مفهوم صلح تعاریف متعددی در کتب و فرهنگ نامه‌های سیاسی درج شده است. این تعاریف، عمدتاً اشاره به حالتی طبیعی، عادی و بدون جنگ است: «صلح حالت آرامش داخلی در یک کشور و روابط عادی با کشورهای دیگر، فقدان جنگ و نیز فقدان نظام تهدید»^۱

بنابر این صلح، حالتی نه جنگ و نه صلح را شامل نمی‌شود. نظیر حالتی که ایران و عراق پس از جنگ هشت ساله داشتند. در سایر فرهنگ نامه‌ها نیز تقریباً مشابه تعریف فوق ارائه شده است. در فرهنگ جامع علوم سیاسی ذیل واژه صلح آمده است:

«صلح در عرف سیاسی، به حالت عدم مخاصمه بین کشورها اطلاق می‌شود. بین کشورهای که در حال جنگ هستند، صلح در حالی برقرار می‌گردد که بین آنها پیمان صلح به امضا برسد. آتش بس در جنگ و حالت ترک مخاصمه، نظیر وضعی که بین ایران و عراق یا کشورهای عربی، اسرائیل

۱. آقا بخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، نشر تندر، ۱۳۶۳، چاپ اول، ص ۱۹۲.

(باستثنای مصر) وجود دارد صلح تلقی نمی شود، زیرا این کشورها هر آن ممکن است بدون اخطار قبلی وارد جنگ شوند.^۱

واژه صلح، در علم حقوق نیز به کار می رود، که به معنی سازش و پایان یافتن اختلاف بین دو یا چند نفر گویند. و نیز به معنای دوستی، آشتی و صفا بین زن و شوهر استفاده می شود. دکتر حسن انوری در فرهنگ بزرگ سخن، چهار معنا برای صلح تشریح می نماید: «1. حالتی که بر اثر پایان یافتن نا آرامی و جنگ، به صورت دائم یا موقت، در یک منطقه یا سرزمین پدید می آید. 2. پایان یافتن نا آرامی و جنگ به صورت دائم یا موقت، در یک منطقه یا سرزمین 3. پایان یافتن ناسازگاری و اختلاف، بین دو یا چند نفر، معمولاً با دخالت و میانجی گری دیگران، آشتی 4. دوستی، آشتی و صفا»^۲ در آموزهای دینی از صلح با عبارت سلم یاد می شود. صیغه سلم و سلام به معنی صلح و مسالمت می باشد «سلم» به کسر و «اسلام» به یک معناست، و «سلم» به معنای طلب صلح و آرامش است.^۳

در لغت نامه دهخدا آمده است: «سلم، آشتی و صلحی که در مقابل جنگ باشد؛^۴ همچنین در قرآن کریم، سوره بقره آمده است که: «یا ایها الذین آمنوا أدخلوا فی السلم کافة...»^۵؛ «ای مؤمنین، همگی در صلح و سلم در آئید»

۱. طلوعی، محمود، فرهنگ جامع علوم سیاسی، چاپ اول ۱۳۷۲، نشر علم، انتشارات سخن ص ۶۰۲.

۲. فرهنگ بزرگ سخن، دکتر حسن انوری، انتشارات سخن، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۱، ص ۴۷۵۷.

۳. طبرسی فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، مترجمان، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، نوبت چاپ دوم ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۶۶.

۴. علی اکبر، دهخدا، لغت نامه، تهران، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، شماره مسلسل ۱۲۲، ص ۶۰۰.

۵. سوره بقره آیه ۲۰۹.

در فرهنگ ابجدی سلم به معنای تسلیم شدن آمده است، اما در اصطلاح سیاستمداران دست از جنگ کشیدن و اعلام آتش بس و تسلیم شدن به دشمن است.^۱

در یک دسته بندی کلی، می توان گفت که صلح در سه معنا به کار می رود 1- معنای لغوی که به معنای دوستی، آشتی و سازش است. 2- معنای حقوقی که پایان یافتن ناسازگاری و نزاع بین دو یا چند نفر است 3- در معنای سیاسی، که پایان اختلاف و جنگ بین دو کشور و یا همزیستی مسالمت آمیز بین کشورها را نیز صلح می نامند.

البته صلح مفهوم صلح تحولات وسیعی یافته که در صفحات بعد به آن اشاره می نمائیم

تحول در مفهوم صلح

مفهوم صلح به لحاظ ماهوی دچار تغییرات اساسی شده است. از این منظر صلح به دو بخش تقسیم می شود: 1- صلح سلبی یا منفی 2- صلح ایجابی یا مثبت

1- صلح سلبی (منفی): در این تعریف، صلح از معنای بسیطی برخوردار است و صرفاً عدم جنگ را در بر می گیرد. بنا بر این تعریف از صلح، هرگاه کشوری مورد تهدید، توسل به زور، یا اعمال خشونت و تجاوز قرار نگیرد، صلح تحقق یافته است. ایجاد برخی از سازمانهای بین المللی، مانند سازمان ملل نیز برای تحقق صلح به همین معنا می باشد. بنابراین صلح یکی از موضوعات فرعی امنیت قرار می گیرد و مفهومی مخالف جنگ را دارد «از حیث سنتی صلح، موضوع فرعی مطالعات امنیتی بوده و بیش تر مفهوم تهدید و زور نظامی مد نظر بوده اند. معمولاً اندیشه گران حوزه امنیت به صلح به

۱. فرهنگ ابجدی عربی-فارسی، ذیل واژه سلم.

عنوان مفهوم مخالف جنگ توجه داده اند و برایش استقلال ذاتی ای قائل نبوده اند. این وضعیت با توجه به سلطه رویکرد واقع گرا پس از سال 1945 تشدید شده و صلح را در حوزه مطالعات امنیتی به حاشیه می راند.^۱

صلح ایجابی (مثبت): در این برداشت از صلح، باور بر این است که مبارزه با جنگ و فقدان آن، صرفاً صلح را به ارمغان نمی آورد، بلکه با ایجاد برابری اجتماعی و آزادی فردی و اجتناب از اعمال زور می توان به صلح واقعی دست یافت. طرفداران این برداشت از صلح، معتقدند که علت وقوع جنگ باید بررسی شود و این گونه نیست که صرفاً با فقدان جنگ، صلح، استقرار یابد. ریشه های جنگ می تواند، عواملی چون فقر، گرسنگی، تبعیض، نقض حقوق بشر، استبداد و ... باشد و با خشکاندن ریشه ها می توان به یقین از بروز جنگ جلوگیری کرد و صلح واقعی را مستقر نمود.

رابطه مفهوم صلح و امنیت:

در گذشته صلح و امنیت از جمله مفاهیمی بودند که اغلب در حوزه نظامی و گاهی نیز در حوزه سیاسی کاربرد داشتند. این رویکرد سنتی معتقد بود که صلح موضوع فرعی امنیت است و زمانی که امنیت ایجاد می شود، صلح محقق می گردد. از این منظر، صلح استقلال ذاتی نداشته و زیر مجموعه امنیت است که از آن به صلح سلبی یاد می شود. اما با گذشت زمان و در پی مسلط شدن رویکرد آرمان گرایان، مفهوم صلح، معنای مستقلی یافت و دیگر زیر مجموعه امنیت واقع نمی شود. بر این

۱. افتخاری، اصغر، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی ۱۳۸۱، ص ۱۸۵.

اساس مفهوم صلح، به لحاظ ماهوی متحول شده است نگاه امروزی به ماهیت صلح نگاهی متفاوت از گذشته است که دیگر وابسته به امنیت نیست.

زیرا در این دیدگاه باور بر این است که مبارزه با جنگ که عامل سنتی تهدید صلح بود، مبارزه با نتیجه است و مبارزه نتیجه ثمری نخواهد داشت. مبارزه با جنگ زمانی کار ساز است که صلح واقعی را به ارمغان خواهد آورد. و آن مقابله با معلول وزمینه‌های بروز خشونت می باشد، که به آن صلح ایجابی گویند.

مفهوم امنیت نیز در ابعاد وسیع سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و.. معنا یافته است. امروزه حتی امنیت، علاوه بر وجوه سخت افزاری، ابعادی نرم افزاری نیز پیدا کرده است. هر چند تهدیدات نظامی و سیاسی، همچنان مهمترین عوامل تهدید کننده صلح و امنیت محسوب می شوند. در نتیجه می توان گفت، در نگاه سنتی و یا سلبی، صلح تحت تأثیر امنیت است و تقریباً با امنیت به یک معنا به کار برده می شود. اما در نگاه ایجابی امنیت و صلح تحول ماهوی یافته و هریک جدا از یکدیگر معنا می شوند.

موضوع صلح در نظریه‌های روابط بین الملل

در بررسی و پژوهش در مطالعات صلح، با رویکردهای متفاوتی مواجه می شویم که هر یک از منظرهای متفاوت صلح را تبیین نموده اند. شناخت این رویکردها می تواند به پژوهشگران امکان را بدهد که با بررسی نظریات مختلف صلح، به جمع بندی مطلوبی دست یابند. در ادامه بحث نظریات مختلف صلح از دیدگاه اسلام نیز بیان می شود.

الف) نظریه واقع گرایی:

رویکرد رئالیسم به عنوان سنتی دیرپا در روابط بین الملل، به اشکال مختلفی حضور داشته و قدمت زیاد آن، باعث تولید پژوهش‌های عمیقی در رشته علوم سیاسی، خصوصا در غرب گردیده است. تا آنجا که یکی از جریانات اصلی در روابط بین الملل می‌باشد.

موضوعات اصلی مطرح شده در این رهیافت، عمدتا در چهار کلید واژه کلی خلاصه می‌شود: قدرت، امنیت، جنگ، علائق ملی. به نحوی که در مطالعات تاریخی در دوره باستان و عصر مدرن، پژوهش‌ها عمدتا بر این چهار مفهوم استوار بوده است. و متفکرین متعددی از یونان باستان تا عصر پست مدرن، مطالعات خود را در عرصه‌های مختلف انسانی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حکومتی و نحوه تعاملات آنها را، در این پارادایم و با محوریت چهار مفهوم فوق به عنوان پیش فرض استوار ساخته اند.

پس از جنگ دوم جهانی، تا اوایل دهه 1960؛ شیوه واقع گرایی سیاسی یا رئالیسم به عنوان یک واکنش در مقابل آرمان گرایان شکل جدی تری به خود گرفت. به نحوی که اثرات قابل ملاحظه‌ای بر محافل آکادمیک غرب بویژه ایالات متحده امریکا گذارد «واقع گرایان دولت‌های ملی را به عنوان واحد اصلی، مبنای تجزیه و تحلیل خود قرار می‌دهند و اعتقاد آنان بر این است که بین منافع و اهداف واحدهای سیاسی هیچگونه هم نوایی و هماهنگی خاصی وجود ندارد. نتیجه این فرض چنین است که دولت‌های ملی برای دست یابی به منافع و اهداف متضاد، ممکن است بر روی هم شمشیر بکشند و انسانها را قربانی مطامع و انگیزه‌های مادی و معنوی خود کنند.»^۱

۱. کاظمی، علی اصغر، روابط بین الملل در تئوری و عمل، نشر قومس، چاپ چهارم، ۱۳۸۴، ص ۳۲.

بر همین اساس است که برای تبیین علت جنگ‌ها واقع‌گرایان عمدتاً ذات بشر را جنگ طلب معرفی می‌کنند و کاهش جنگ را بهترین حالت می‌دانند نه عدم جنگ را، بنابراین صلح در فضای آنارشیک وجود ندارد مگر اینکه مدیریت نظام مبتنی بر منافع ملی دولتها باشد. «دولتها بازیگران اصلی در سیاست بین‌الملل اند. محیط با نظام دولتی که دولتها در آن زندگی می‌کنند، اساساً آنارشیک است، تعرض در این نظام را در بهترین حالت می‌توان در جهت کاهش احتمال جنگ اداره نمود، اما جنگ را نمی‌توان منسوخ کرد و در کل نکته اصلی این بود که راه حل نهایی برای جنگ وجود ندارد، توسل به منافع مشترک بشر در بقاء و توسل به حکومت جهانی به جای نظام مرکب از دولتها، جملگی پوچ است مدیریت نظام باید مبتنی بر منافع ملی باشد و بهترین راه حفظ صلح برقراری موازنه قدرت است.»^۱

هانس جی. مورگنتا یکی از برجسته‌ترین نظریه پردازان واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل است، که به گونه‌ای جامع، واقع‌گرایی را در روابط بین‌الملل تبیین نموده است. او بین جهان اجتماعی و حیات طبیعی تفاوت قائل است و جهان اجتماعی را انعکاس سرشت بشری در عرصه جمعی می‌داند. او نیز مانند بسیاری از واقع‌گرایان به سرشت ذاتاً شرور بشر اعتقاد دارد و شرارت اصلی انسان را در قدرت طلبی او می‌داند. بنابراین سرشت روابط بین‌الملل نیز آنارشیک است «مورگنتا بیش از آنکه بر نبود حکومت یا نبود قواعد در عرصه بین‌المللی تأکید کند، بر نبود اقتدار تأکید دارد. در این شرایط آنارشیک است که توسل به زور میان دولتها مشروعیت می‌یابد و جنگ به یک خصوصیت مهم نظام بین‌الملل بدل می‌شود. البته مورگنتا قائل به وجود وضعیت طبیعی مطلق در صحنه جهانی نیست بلکه

۱. مشیرزاده، حمیرا، تحول در نظریه روابط بین‌الملل، انتشارات سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۶، ص ۸۲

نوعی وضعیت طبیعی تعدیل شده دیده می شود و ما شاهد جنگ همه علیه همه در سیاست بین الملل که در آن ضعیف در چنگال قوی و حق با قوی باشد، نیستیم اما به هر حال جنگ و احتمال آن همیشه وجود دارد.»^۱

مورگنتا هر چند بر سرشت آنارشیک و احتمال همیشگی وقوع جنگ تأکید دارد اما با این وجود او معتقد است که در طول تاریخ پنج روش اصلی برای حفظ نظم و صلح بین المللی بوجود آمده است .

الف) موازنه قدرت: که به عنوان کارآمد ترین ابزار معرفی می کند.

ب) حقوق بین الملل

ج) سازمانهای بین المللی

د) حکومت جهانی

ر) دیپلماسی: که یکی دیگر از ابزارهای کارآمد است که می تواند در حفظ صلح بسیار مؤثر باشد. دیپلماسی می تواند از خطر جنگ جلوگیری کند. زیرا وسایلی را در اختیار دارد که در لحظات خاصی از آن استفاده می کند. این وسایل عبارتند از اقناع، مصالحه، تهدید به کاربردن زور.

مورگنتا تنها راه رسیدن به صلح را شکل گیری جامعه جهانی می داند «اما تنها راه رسیدن به صلح پایدار در روابط بین الملل، شکل گیری جامعه جهانی است که به شکل گیری و دولت جهانی منجر خواهد شد. وجود دولت جهانی به تنهایی کافی نیست، بلکه مسئله وفاداری به دولت جهانی و انتظار تأمین عدالت نیز مطرح است. لازمه این امر نیز وجود جامعه اخلاقی و سیاسی جهانی قبل از

۱. همان، ص ۹۷.

تشکیل دولت جهانی است. اگر منافع ملی از طریق مسالمت آمیز دنبال شود و در نتیجه، تعارض سیاسی به حداقل برسد، می توان امیدوار بود که این جامعه سیاسی و اخلاقی جهانی نیز شکل بگیرد پس دیپلماسی می تواند ابزاری در راه رسیدن به چنین شرایطی نیز باشد.^۱

هرچند مورگنتا به شکل گیری جامعه سیاسی اخلاقی جهانی اشاره دارد و به لیبرال هانزدیک می شود اما با تأکید بر همراهی سازمانها و نهادهای بین المللی در راستای منافع ملی دولتها، در برابر آرمانگرایان قرار می گیرد. زیرا آرمان گرایان به نهادهای بین المللی در ایجاد صلح و نظم بین المللی اصالت می دهند.

ماهیت انسان از منظر واقع گرایی

رهیافت واقع گرایی از پیش فرضهای متعددی تشکیل شده است که یکی از آنها پیش فرض های انسان شناختی است. رئالیست ها معتقدند طبیعت بشر "بد" است و انسان ذاتا موجودی شرور است. این پیش فرض بنیادی به تمامی عرصه های روابط، اعم از روابط فردی تا اجتماعی و سرانجام روابط میان واحدهای سیاسی و فضای بین الملل بسط پیدا می کند. این تفکر برگرفته از اندیشه های ماکیاول و هابز می باشد.

«رویکرد واقع گرایی به روابط بین الملل، که برگرفته از مبانی فکری و فلسفی ماکیاول و هابز در تاریخ معاصر است، سیاست بین الملل را عرصه مبارزه برای کسب و حفظ قدرت می داند و از آن جا که این جهان، دنیای تضاد منافع است هرگز نمی توان اصول اخلاقی را به طور کامل محقق

۱. همان، ص ۱۰۵.

ساخت». این دو متفکر نگاهی تک بعدی، از انسان عرضه کرده اند که تأثیری شگرف بر رهیافت واقع گرایی گذاشته است. در بخش مرور کوتاهی بر نگاه ماکیاولی و هابز به انسان خواهیم داشت.

1- ماهیت انسان از نظر ماکیاولی

ماکیاولی خود را واقع گرا می دانست. او با بدبینی درباره انسان قضاوت می کند. از نظر ماکیاولی انسانها خودخواه و بد سرشت هستند و به همین دلیل گرایش به سمت منافع شخصی، ثروت اندوزی، جاه طلبی، قدرت محوری، روی می آورند و این مسأله در آنها ذاتی و درونی است.

وی این خودخواهی در انسان را این گونه توضیح می دهد: «طبیعت، انسانها را چنان آفریده است که خیلی چیز می خواهند، اما نمی توانند همه آنها را به دست بیاورند؛ خواستها و آرزوهای انسانها همواره بیشتر از توانایی آنهاست، از آنچه دارند خرسند نیستند و در نتیجه از خود ناخشنودند. این وضع سرنوشت آنها را دگرگون می کند، زیرا همین که برخی مردمان در پی زیاده خواهی باشند و دیگران بترسند آنچه دارند از دست بدهند، دشمنی ها و جنگ میانشان در می گیرد، و این وضع سبب نابودی یکی و بلندی آن دیگری می شود.»^۲

در اثر این تمایلات، جنگ و ستیز میان انسانها اجتناب ناپذیر است و برای رفع هرج و مرج باید فرمانروائی مقتدر حکمرانی نماید. وی در این باره چنین می گوید:

«کسی که می خواهد برای شهری قوانینی وضع کند و نظامی سیاسی به آن بدهد، باید کار خود را با این فرض آغاز کند که همه آدمیان بدند و هر وقت که فرصتی به دست آورند از تمایلات بد خود پیروی می کنند و طبیعت شریر خود را به معرض نمایش می نهند و اگر بدی کسی زمانی نهفته

۱. ستوده، محمد، «ماهیت انسان و روابط بین الملل»، مجله علوم سیاسی، ش ۲۲، تابستان ۱۳۸۲، ص ۲۰۰.

۲. عالم، عبدالرحمن، تاریخ فلسفه سیاسی غرب، تهران، انتشارات وزارت خارجه، چاپ پنجم، ۱۳۸۲، ص ۴۹.

بماند. این امر ناشی از علتی ناشناخته است و این علت را تنها هنگامی می توان شناخت که شرارت او به منصفه ظهور رسیده باشد، آن گاه زمان، که می گویند مادر همه حقایق است، از علت پنهان پرده برمی افکند.^۱

درنگرش ماکیاولی، انسانها صرفا افرادی فرصت طلب هستند که در فرصت مناسب به دلیل امیال و هوسهای خود منافع خود را طلب می کنند و چون هر کسی خواسته خویش را طلب می کند، بنا براین بی نظمی کشور را فرا خواهد گرفت. برای رفع این معضل او به فرمانروایان چنین توصیه می کند: «بر شهریار است که هیچ هدفی در پیش و هیچ اندیشه‌ای در سر نداشته باشد، مگر جنگ و سامان و نظم آن. فرمانروایان را کدام هنر بالاتر از این؟ و در نیکویی آن همین بس که نه تنها شاهزادگان را بر تخت پادشاهی نگه می دارد که چه بسیار از میان عامه نیز کسانی را بر کرسی فرمانروائی بر می کشد.»^۲

از نظر ماکیاولی اخلاق جایگاهی پیدا نمی کند و خیانت، دروغگویی، نیرنگ محور اعمال شهریاران می شود او با بی پروایی می نویسد:

«فرمانروای زیرک نمی باید پایبند پیمان خویش باشد. اگر مردمان همگی نیک می بودند، این اندیشه‌ای شایسته نمی بود؛ اما از آن جا که مردمان بدخیم و سست پیمان‌اند، شهریار نیز ناگزیر از پایبندی به پیمان خود با ایشان نیست.»^۳

۱. ماکیاولی، نیکولو، گفتارها، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ اول، فروردین ۱۳۷۷، ص ۴۶.

۲. ماکیاولی، شهریار، ترجمه داریوش آشوری، تهران، نشر پرواز، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۱۱۳.

۳. همان، ص ۱۳۰.

بنا بر این از نظر ماکیاولی انسانها ذاتا خودخواه و منفعت طلب هستند و آنها برای رسیدن به منافع خود به هر وسیله متوسل می شوند و این باعث جنگ در جامعه می گردد و بر شهرواران است که با وضع قوانین و با زور و قدرت و یا با تزویر و حيله به اهداف خود دست یابند

2- ماهیت انسان از نظر هابز

هابز نیز، نگاه بدبینانه‌ای به انسان دارد و او را موجودی ذاتا خودخواه و شرور می‌داند. از نظر هابز، هدف اصلی انسان، صیانت از نفس خویش است. به همین علت امنیت بزرگترین نیکی، و ناامنی را شر بزرگی می‌داند و برای تأمین امنیت راهی بجز کسب قدرت نیست آرزویی که نامحدود است و علت کشمکش میان انسانها نیز همین است.

«من میل عمومی آدمیان را در درجه اول خواهشی دائم و بی‌قرار در جستجوی قدرت می‌دانم. این میلی است که فقط با مرگ فرو می‌نشیند. سبب این وضع همیشه آن نیست که شخص، لذتی بیش از آنچه به دست آورده است، می‌جوید و به قدرت معتدل نمی‌تواند خرسند باشد، بلکه آن است که او نمی‌تواند قدرت و وسیله موجود خود را برای خوب زیستن حفظ کند، مگر آنکه قدرت بیشتر به جنگ آورد.»^۱

ب) نظریه نو واقع گرایی:

تلاش نوواقع گرایان، عمدتاً برای علمی کردن واقع گرایی بود. آنها سطح تحلیل را نظام بین الملل قرار می‌دهند. زیرا معتقدند نظام بین الملل نوع و قواعد بازی را مشخص می‌کند. به تعبیر کنت

۱. عالم، عبدالرحمن، تاریخ فلسفه سیاسی غرب، تهران، انتشارات وزارت خارجه، چاپ پنجم، ۱۳۸۲، ص ۲۳۸.

والتر باید نظریه‌ای بوجود آید که نوعی تبیین کل نگر از ساختار نظام بین الملل ارائه دهد. وی معتقد است دولت‌ها از سیستم بین الملل تأثیر می‌گیرند و از آنجا که دولت در میان یک جامعه است، به عنوان یک عضو تلاش می‌کند خود را با گروه تطبیق بدهد. بنابر این رقابت باعث رنگ باختن تفاوتها می‌شود و نظم بوجود می‌آید. در این محیط، اعضاء خودشان را برای رسیدن به اهدافشان یاری می‌نمایند. برای این خود یاری، می‌بایست ساختار سیستم بین الملل را درک نمود. از نظر والتر سیستم بین المللی از سه جزء تشکیل شده است، 1- اصل سازمان دهنده 2- تفاوت و تنوع واحدها و مشخص بودن کار ویژه‌های آنان 3- توزیع توانایی‌های میان واحدها.

اصل سازمان دهنده در نظام بین الملل، آنارشی است. بنابراین به علت عدم وجود اقتدار مرکزی، تمامی واحدهای نظام بین الملل، برای حفظ قضا و امنیت خود تلاش می‌نمایند. پس هر کشوری که بتواند توانایی بیشتری کسب نماید، متمایز از دیگر واحدها خواهد بود و این توانمندیها هستند که هر کشور را مشخص می‌نمایند که تا چه حد می‌تواند امنیت خود را تأمین نماید.

واقع گرایی نوکلاسیک: واقع گرایی نوکلاسیک نیز عنوانی است که به برخی از مجموعه آثار در روابط بین الملل داده می‌شود. در این روش، عمدتاً از بینشهای واقع گرایی استفاده می‌شود. آنها سعی دارند، نه تنها عوامل سطح ساختار نظام را در نظر بگیرند، بلکه بر آن هستند که برداشتهای ذهنی و ساختار داخلی دولت‌ها را نیز مورد تأکید قرار دهند. نوکلاسیک‌ها به دسته تقسیم می‌شوند:

1) واقع گرایان تهاجمی: این دسته از نظریه پردازان معتقدند که آنارشی، دولت‌ها را وادار می‌کند قدرت نسبی خود را به حداکثر رسانند و هرچه قدرت نسبی افزایش یابد، امنیت نیز بهتر خواهد بود. اگر دولتی ثروتمند شود، قدرت نظامی خود را افزایش خواهد داد. پس از افزایش قدرت

نظامی رهبران سیاسی راهبردهای تهاجمی اتخاذ می نمایند. در نتیجه، این دولتهای قوی هستند که به نهادهای بین المللی بواسطه قدرتی که دارند شکل می دهند.

2) واقع گرایی تدافعی: واقع گرایان تدافعی، هم به آنارشی و تأثیر پذیری از ساختار نظام بین الملل توجه دارند و هم مانند واقع گرایان تهاجمی به رفتار دولتها نیز توجه دارند اما آنارشی را در یک حالت خوش بینانه ای می بینند. بنابراین: «امنیت چندان نایاب نیست و فراوان است. در نتیجه دولتها که این را در می یابند، رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آنها وجود دارد، نسبت به آنها واکنش نشان می دهند. و این واکنش اغلب تنها در سطح ایجاد موازنه و یادداشتن تهدید گراست.»^۱

ج) نظریه لیبرالیسم:

هرچند لیبرالیسم نیز مانند سایر نظریه های روابط بین الملل در قالبهای متعددی عرضه شده است و نباید برداشتی یکسان از آن داشت، اما با وجود این، اصول مختلفی به عنوان عناصر ثابت در رویکردهای متفاوت لیبرالیسم وجود دارد. در این نگرش مفروضاتی از قبیل انسان‌ها موجوداتی عقلانی هستند، اهمیت به آزادی فردی، نگرش خوش بینانه به سرشت بشر، تأکید بر کارگزاری انسان برای تأثیر یا تغییر و... وجود دارد که اصل را بر کاهش تعارضات و رسیدن به جهان امن گذارده است و کم و بیش به چهار گونه استدلال می پردازند. هرچند استدلالات ذیل می تواند بعضاً در یک دیدگاه مطرح شود و با هم ترکیب گردند، اما به لحاظ تبیین دقیق آنها به تفکیک به هریک از آنها اشاره خواهیم

۱. مشیرزاده، حمیرا، تحول در نظریه روابط بین الملل، انتشارات سمت، چاپ سوم ۱۳۸۶، ص ۱۳۳.

کرد. اما پیش از پرداختن به انواع مختلف لیبرالیسم شایسته است ابتدا به بحث ماهیت انسان در این مکتب پرداخته شود تا درک عمیق تری نسبت به این مکتب مهم حاکم بر روابط بین الملل پدیدآوریم.

ماهیت انسان از منظر لیبرالیسم:

لیبرالیسم، یکی از مهم ترین مکاتب در تفکر سیاسی غرب است که متشکل از مجموعه‌ای از گزاره‌ها و پیش فرض‌ها و اعمال است. این مکتب فکری، اگر چه ابتدای پیدایش آن به قرن پانزدهم و پس از آن است، اما نقش چشمگیر و اثر گذار آن در عرصه سیاست بین الملل، به پس از جنگ جهانی اول باز می‌گردد.

شاید بتوان اصلی ترین متفکرانی را که در پیدایش و توسعه این اندیشه و سنت فکری در حیطه سیاست بین الملل دخیل بوده اند را، اینگونه برشمرد: آراسموس، گروسیوس، روسو، جان لاک، آدام اسمیت، ایمانوئل کانت، جرمی بنتام، و آبراهام لینکلن، که هر یک سهم خاصی را در بسط این تفکر داشته اند.

«رویکرد ایده‌آلیستی، یکی دیگر از رهیافتهای مطالعه در فرایند تجزیه و تحلیل روابط بین‌الملل است. در این دیدگاه، محور اصلی مطالعه، زمینه‌های همکاری و اشتراک مساعی میان واحدهای سیاسی متفاوت است. بر این اساس، میان افراد و نیز جوامع انسانی پیوندهای مشترک اجتماعی و فوق ملی وجود دارد و در این روند مسئله برد و باخت مطرح نیست.»^۱

۱. قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چاپ پنجم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۷ ص ۲۴۵.

از مهم ترین موضوعات مطرح شده در رویکرد فوق، طبیعت انسان است که لیبرالیست‌ها معتقدند، طبیعت بشر خوب و کمال پذیراست. آنان به خرد بشری اعتقاد دارند و معتقدند بشر توانایی درک پتانسیل‌های درونی خود را دارد.

برای یک آرمانگرا، عدالت، اخلاق، طبیعت از قانون و حقوق بشر مطلوب است. آنها تمدن را محصول همزیستی جوامع در سایه یک زندگی قانونی می‌دانند و بکارگیری زور توسط حاکمان را برای رسیدن به مقاصد سیاسی تقیح می‌نمایند. برای آشنایی بیشتر با تفکرات مهم ترین نظریه پردازان این نحله فکری، اجمالاً به نظریات برخی از اندیشه ورزان آن می‌پردازیم.

1- زان زاک روسو:

در اندیشه روسو، ماهیت انسان صلح جو و آرام است. او برای تبیین انسان از وضع طبیعی انسان آغاز می‌کند و به این مسأله می‌پردازد که وضع طبیعی انسان قبل از به وجود آمدن جامعه چگونه بوده است، وی می‌گوید: «تا زمانی که انسان طبیعی را نشناسیم بیهوده است بکوشیم قوانینی را بیابیم و برقرار کنیم که از نظر طبیعی بر او حاکم یا با فطرت او سازگار است»^۱ روسو معتقد است انسان دو نوع طبیعت دارد، یکی غریزه حفظ نفس و دیگری دلسوزی به هم نوعان است. این دو انگیزه یکدیگر را تعدیل می‌کنند. و از این راه تشکیل جامعه ممکن می‌شود. بنابراین «دلسوزی، عاطفه‌ای طبیعی است که با تعدیل خشونت، خودخواهی در افراد، کمک می‌کند تا کل انواع حفظ شود. تعامل خودخواهی و دلسوزی انسانها سبب صلح و آرامش می‌شود»^۲

۱. عالم، عبدالرحمن، تاریخ فلسفه سیاسی غرب، تهران ۱۳۸۲، چاپ پنجم، ص ۳۴۴.

۲. همان، ص ۳۴۵.

روسو باپرداختن به وضع اولیه انسان، او را موجودی محافظه کار و ترسو می داند که به حفظ خویش می اندیشد و کاری به دیگران ندارد. اما با خروج از انزوا و وارد شدن به جامعه انوقت به فکر حمله می افتد. برای تعادل خودخواهی انسان، او قرار اجتماعی را وضع می کند و معتقد است با وجود حکومت و تبعیت از قانون می توان به صلح دست یافت اما انسان در جنگ بین دو دولت از آنجا که تحت عنوان شهروند است، همچون سرباز پیاده ای در اختیار حکومت است «انسان فقط وقتی وارد جامعه انسانها شد، آن وقت فکر حمله به دیگری در سرش وارد می شود؛ پس از اینکه شهروند شد به سرباز تبدیل می شود. بنابراین، انسان طبیعی اشتیاقی به جنگیدن با هموعان خود ندارد.»^۱

2- گرسیوس:

او هرچند انسان را در زمره ی حیوانات از نوع عالی آن قرار می داد، اما ویژگی انسان را این می دانست که جامعه را دوست دارد و می خواهد با هم نوعان خود زندگی کند. بنا بر این انسان موجودی اجتماعی است و میل به تعامل و ارتباط با هم نوعان خود دارد. گرسیوس برای ایجاد صلح در عرصه بین الملل معتقد بود، باید با تقویت حقوق بین الملل که بر گرفته از عرف بین المللی است، قوانینی بوجود آورد تا برای پیشبرد صلح بین المللی به کار گرفته شود.

3- کانت:

او یکی از برجسته ترین اندیشمندان رویکرد ایده آلیسم می باشد که حدود عقل انسانی را ارزیابی کرده و واکنش و واکنش خرد آدمی را سنجیده است. همچنین در باره حق، قانون، روابط اجتماعی نیز نظریاتی بیان کرده است، از نظر کانت انسان دارای ارزش ذاتی می باشد که این ارزش ذاتی انسان را از ابزار مجزا می سازد. بنابراین نمی توان از انسان، همچون شیء، استفاده ابزاری کرد به

۱. روسو، ژان ژاک، قرارداد اجتماعی، ترجمه مرتضی کلانتریان، چاپ سوم، انتشارات آگه، تهران ۱۳۸۴، ص ۵۶.

این ترتیب کانت سه رابطه درباره انسان را مورد توجه قرار داد روابطی میان انسان و خودش، انسان و جهان، انسان و خدا .

انسان در ارتباط با خود و دیگران دارای تکلیف هائی است که باید چنین تکالیفی را انجام داد در صورت انجام ندادن اعمال و تکالیف، انسانیت خویش را ازدست می دهد. در آموزه اخلاقی کانت، انسان نمی تواند به شخصیت انسانی خویش آسیب برساند و باعث خاموشی نفسش گردد. خودکشی از یک طرف عملی است زشت و از جانب دیگر به معنی نفی زندگی است، پس انسان حق ندارد جریان زندگی را سد کند زیرا زندگی او بازندگی دیگران ارتباط دارد.

«انسان کانت، میان خردورزی و تمایلات بشری در نوسان است. او به مثابه موجودی خردمند خواستار قانونی است که محدودیت هایی را بر آزادی جمعی اعمال می کند، تا برخورداری از آزادی در عمل امکان پذیر گردد. اما تمایل حیوانی، او را وامی دارد که از پایبندی به قانون سرباز بزند. با این دوگانگی که در سرشت بشر نهاده شده چه باید کرد؟! کانت راه گشودن این مشکل را در نیاز انسان به فرمانروا می داند و آشکارا می نویسد: «انسان حیوانی است که نیازمند صاحب و ارباب است.»^۱

بنا بر این انسان باید بوسیله اطاعتی که از حاکم و قانون می کند اراده اش محدود شود و وادار به پذیرش اراده عمومی گردد.

کانت معتقد است برای حفظ جامعه نیازمند به اقتدار سیاسی است. به اعتقاد او دولت یگانه وسیله حمایت از فرد در برابر نتایج بد اقدامات دیگران و مراقبت از آن است. وی دولت را مجمع اعضای جامعه معرفی می کند که کارگزاری خوب است و وظیفه اخلاقی کردن جامعه را برعهده دارد.

۱. محمودی، علی، فلسفه‌ی سیاسی کانت اندیشه سیاسی در گستره فلسفه نظری و فلسفه اخلاق، چاپ اول، نشر نگاه معاصر، تهران: ۱۳۸۴، ص ۱۴۷.

اما با وجود جانبداری از دولت، کانت در عرصه بین الملل جنگ میان دولت‌ها را محکوم می کند و برای حل مسالمت آمیز اختلافات میان دولت ها، پیشنهاد تأسیس مجمع جهانی دولت‌ها را می دهد که پیش شرط آن شرط ضروری صلح پایدار می باشد. «او برای صلح ابدی، طرحی برای صلح ابدی ارائه داد که دستورهای زیر را داشت:

1- هیچ قرارداد صلحی، اگر شرطی پنهانی درباره جنگی در آینده در آن باشد، معتبر نخواهد بود.

2- از راه ارث، مبادله، داد و ستد یا بخشش نمی توان دولت مستقل، بزرگ یا کوچکی را به دست آورد.

3- ارتشهای موجود باید بتدریج منحل شوند.

4- قرضه ملی نباید در ارتباط با کارهای خارجی دولت باشد.

5- هیچ دولتی نباید در قانون اساسی و حکومت دولت دیگر مداخله کند.

6- دولتی که در جنگ با دولت دیگری است، نباید مجاز به انجام چنان اقدامات خصومت آمیزی باشد که اعتماد طبیعی در زمان صلح آینده را ناممکن کند. این گونه اقدامات شامل استخدام آدمکشان، نقض موافقتنامه ها، اغواگری و تحریک به خیانت در داخل دولت دشمن و مانند این کارهاست.»^۱

کار مهمی که کانت در آثار خود بدان توفیق یافت، پیوند اخلاق و سیاست بود. به گونه ای که حتی اخلاق بر سیاست تسلط یافت در دوره ای که نظریات برخی از اندیشمندان بر طبع شرور انسان

۱. عالم، عبدالرحمن، تاریخ فلسفه سیاسی غرب، تهران ۱۳۸۲، چاپ پنجم، ص ۴۶۷.

استوار گشته و یا بر اساس سود و منفعت بنا شده بود، طرح اخلاق و اصول انسانی در شکل گیری حکومت‌ها و جامعه بین الملل از طرف کانت، تلاش سترگی در سامان دادن به جریان بدبینی و منفعت طلبی در حوزه مطالعات و نظریه پردازی اندیشه‌های سیاسی بود.

از آنجا که ماهیت انسان در رویکرد لیبرالیسم دارای طبیعتی آرام و صلح جوست لذا نظریات موجود در این سنت فکری، عموماً نگاه خوشبینانه‌ای به نظام بین الملل دارد و قائل به ایجاد صلح و همکاری در این عرصه میان کشورهاست.

(د) نظریه سازه انگاری

تمرکز اصلی سازه انگاران مباحث هستی شناسی است. سؤال اصلی در هستی شناسی این است چه چیزی برای شناختن وجود دارد؟ این پرسش بنیادین در مباحث روابط بین الملل نظریه پردازان را به گروه‌های مختلفی تقسیم کرده است عده‌ای برای پاسخ به این پرسش هستی شناسانه که چه چیزی برای شناختن وجود دارد بر مظاهر و رفتارهای عینی تأکید نموده اند و معتقدند هرآنچه که نمود خارجی دارد قابل شناخت است برخی دیگر نیز، وجوه ذهنی رفتارها را موضوع شناخت میدانند و آنرا در برابر پرسش هستی شناسانه قرار میدهند اما گروهی نیز بر عناصر مادی در روابط بین الملل و همچنین عناصر غیرمادی به گونه‌ای توأمان تأکید دارند پس به نحوی با یکدیگر تعامل می‌نمایند و هیچ کدام به تنهایی نمود واقعیت نخواهد بود آنچه که واقعیت را برای سازه انگاران آشکار می‌کند بر ساخته شدن آن است آنهم در بستر اجتماعی که خارج از اراده کنشگران صورت می‌پذیرد آنچه که در اینجا ذکر آن لازم است این است که سازه انگاری مجموعه‌ای از نظریات مختلف است که بعضاً دچار اختلافات شدیدی نیز هستند اما همه ی آنها در برساخته شدن واقعیت انفاق نظر دارند «نکته ی

مهمی که باید بدان توجه داشت این است که سازه انگاری نظریه‌ای واحد نیست بلکه مجموعه‌ای از نظریه‌ها را در بر می‌گیرد که در مورد بر ساختگی واقعیت اجتماعی اتفاق نظر دارند اما در مورد اهمیت و نقش هویت، قواعد، نهادها، زبان، گفتمان و... از یک سو و مباحث معرفت شناختی و روش شناختی از سوی دیگر اختلاف دارند»¹

الکساندر ونت، به عنوان نظریه پرداز مشهور سازه انگاری معتقد است که نظریه‌های ساختار گرایی و اراده گرا هر دو فقط به بخشی از واقعیت متمرکز شده و از بخش مهمتر آن غافل مانده است. جامعه شناسان منشأ اصلی رفتار آدمی را از نتیجه نیت و تصمیم او و یا نتیجه اقتضای ساختار جامعه دانسته اند. بر این مبنا دو گروه عمده شکل گرفته است 1- عده‌ای بر اصالت اراده تأکید کرده و عقل و تصمیم فردی را سازنده و شکل دهنده ساختارها بر شمرده اند. 2- عده‌ای دیگر انتخاب آدمی را محصول ساختار دانسته و ساختار را شکل دهنده تصمیم و ترجیحات فردی قلمداد کرده اند.

ونت، مشکل را در هر دو طیف بررسی می‌کند و چنین ارزیابی می‌نماید: «ونت مشکل نظریه‌های ساختاری را در نگاه هستی شناختی تعلیل گرایانه (نو واقع گرایی) و ساختار گرایانه (نظام جهانی) می‌بیند او بر آن است که ساختار گرایی نو واقع گرایان در بعد هستی شناختی، در واقع ساختار گرایانه نیست، بلکه ساختار بین الملل را با تعریف آن بر مبنای واحدهای تشکیل دهنده به این واحدها، یعنی دولتها تقلیل می‌دهد. بنابراین تقدم هستی شناختی در آن با دولتها یا کار گزاران است در مقابل

1. سازمند، بهاره، تحلیل سازه انگارانه از هویت ملی در دوران جنگ تحمیلی، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره 2، 1384.

نگاه ساختار گرایانه نظام جهانی که در نظریه امانوئل والرشتاین دیده می شود، دولت‌ها هستند که نسبت به ساختار وجه ثانویه می یابند زیرا این ساختار است که به آنها به عنوان واحد می بخشد.^۱

برای حل این مشکل ونت از نظریه ساختار یابی گیدنز استفاده می نماید. گیدنز با نظریه ساختار یابی تلاش کرده است، بین ساختار به عنوان بستر کنش‌های اجتماعی و سیاسی و کارگزار به عنوان عامل در این ساختار ترکیب ایجاد نماید. به این صورت که ساختار و کارگزار دارای ارتباط درونی و در هم تنیدگی هستی شناختی هستند این دو هرگز از یکدیگر جدا نیستند و با تأکید بر یکی بدون توجه سازه انگاران بردیگری نمی توان تحلیل واقعی ارائه داد.

سازه انگاران نیز با الهام از نظریه ساخت یابی گیدنز معتقدند، ساختار و کارگزار به شکلی متقابل به یکدیگر قوام می بخشند. ساختارهای اجتماعی نتیجه پیامدهای کنش انسانی هستند و از طرف دیگر همان کنش‌های یک بستر ساختاری تقلیل ناپذیر را مفروض می گیرند یا این بستر به عنوان یک میانجی برای آنها عمل می کند.

«از دیدگاه ونت نظریه پردازان ساخت یابی از دو جهت میان ساختارهای اجتماعی با ساختارهای طبیعی تفاوت قائل می شوند و این امر باعث تمایز آنها از ساختارگرایان می شود. این جهات تمایز و تفاوت عبارتند از:

- 1- ساختارهای اجتماعی، بر خلاف ساختارهای طبیعی، مستقل از فعالیت تحت کنترلشان نمی باشند، در حالی که می توان گفت ساختارهای طبیعی جدای از رفتار عاملان خود وجود دارند.
- 2- ساختارهای اجتماعی صرفاً از طریق اعمال کارگزاران ایجاد می شود...؛

۱. مشیرزاده، حمیرا، تحول در نظریه رواب بین الملل، انتشارات سمت، چاپ سوم ۱۳۸۶، ص ۳۳۱.

خلاف ساختارهای طبیعی، مستقل از تصورات کارگزاران از آن چه در فعالیتشان انجام می دهند وجود ندارند.^۱

از نظر اونف آنچه که قوام متقابل میان ساختار و کارگزار را ممکن می سازد قواعد هستند و با توجه به آن کردارها معنا پیدا می کند. پس می توان گفت، از نگاه اونف، روابط بین الملل مانند یک بازی با قواعد خود است که کنش هادر درون آن و براساس چارچوب قواعد آن تفسیر می گردد. «به این ترتیب، سیاست بین الملل قلمروی اجتماعی تلقی می شود که ویژگی های آن نهایتاً از طریق ارتباطات و تعامل میان واحدهای آن تعیین می شود چیزی به عنوان نظم آنارشیک ماقبل اجتماعی وجود ندارد. معنا داری کارگزاری، واکنشگری منوط به اتکاء به قواعد بازی و رویه های حاکم بر آنست که شامل تجارب گذشته، عادات، و روزمرگی های کم و بیش مکانیکی است. بنابر این روابط بی قاعده نیست»^۲

بنابر این در تعریف نظام بین الملل از نگاه سازه انگارانه می توان گفت: جامعه ای است که کنشگران در آن با یکدیگر تعامل می کنند و این تعاملات بر اساس قواعد و هنجارهایی صورت می گیرد که جنبه بینا ذهنی دارند. این جامعه مانند هر جامعه دیگر به اشخاص / کنشگران قوام می بخشد و در عین حال، اعمال اشخاص / کنشگران است که به ان شکل می دهد، به بیان جان راگی رویه های کنشگران هستند که به قواعد و هنجارهای تعریف کننده نظام بین الملل قوام می دهند از دید

۱. ستوده، محمد، تحولات نظام بین الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، موسسه بوستان کتاب، چاپ دوم ۱۳۸۶، ص ۴۰.

۲. مشیرزاده، حمیرا، سازه انگاری به عنوان فرانظریه روابط بین الملل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۵ پاییز ۱۳۸۳، ص ۱۱۹.

فریدریش کراتوچویل نیز نظام بین الملل مجموعه‌ای از قواعد و هنجارهاست که از طریق رویه‌های تکراری شکل می‌گیرند.^۱

هویت و شکل‌گیری منافع:

یکی دیگر از مسائل مهمی که در هستی‌شناسی سازه‌انگاری از آن سخن به میان می‌آید، هویت کنشگران است که از اهمیت بسزایی برخوردار است. الکساندر ونت از نظریه پردازان اصلی سازه‌انگاری، هویت را اینگونه تعریف می‌کند: «هویت در معنای فلسفی آن عبارت است از هر آنچه که چیزی را به آنچه که هست، تبدیل کند... من هویت را خصوصیتی در کنشگران نیت مند تلقی می‌کنم که موجد تمایلات انگیزشی و رفتاری است این به معنای آن است که هویت در اساس یک ویژگی ذهنی یا در سطح واحد است که ریشه در فهم کنشگر از خود دارد. البته معنای این فهم اغلب وابسته به این است که آیا سایر کنشگران، کنشگر را به همان شکل بازنمایی می‌کنند یا نه»^۲

از نگاه سازه‌انگاران، هویت از پیش داده شده نیست. در عین حال ابزار انگارانه هم نمی‌باشد بلکه هویت ابزاری است که انسان به انتخاب خود آنرا با رفتار خود که مبتنی بر نظام معنایی است، ارائه می‌دهد به بیان دیگر ایده‌ها و هنجارها بوجود آورنده خود هستند و این خود، با هویتی که مبتنی بر ایده‌ها و هنجارهای یاد شده است، در عرصه بین الملل شناخته می‌شود. پس این هویت است که تعریف خاصی را از منافع و امنیت در نظام بین الملل ارائه می‌دهد.

از آنجا که سازه‌انگاران بر سرشت اجتماعی کنشگران تأکید دارند و انسانها را در روابط اجتماعی می‌بینند، می‌توان گفت دولت در حوزه روابط بین الملل دارای یک هویت اجتماعی است.

۱. همان.

۲. ونت، الکساندر، نظریه اجتماعی سیاست بین الملل، ص ۳۲۶.

هویتی که بر بستری از معانی جریان دارد و ایده ها، هنجارها و انگاره‌ها در پیدایش آن نقش اساسی دارند از این منظر هویت‌ها سیال هستند و بسته به اینکه بر بستر چه نوع تفکر و فرهنگی حرکت نماید قابل تغییر می‌باشد. و بنابراین هویت‌های متفاوت و متحول به رفتارهای کنشگران شکل می‌دهند.

ونت نحوه تعامل بین خود و دیگری را چنین توضیح می‌دهد: «ونت توضیح می‌دهد که چگونه «خود» بر اساس برداشتی که از وضعیت دارد، نشانه‌ای برای دیگری می‌فرستد و «دیگری» این نشانه را بر مبنای برداشت خودش از وضعیت تفسیر می‌کند و بر اساس این تفسیر علامتی به خود می‌دهد و «خود» پاسخ می‌دهد و در این تعامل است که هویت خود و دیگری به عنوان دوست یا دشمن یا رقیب شکل می‌گیرد. پس اعمال اجتماعی فرایندهای علامت دادن، تفسیر و پاسخ اند که در بستر آنها شناخت مشترک خلق می‌شود و یادگیری اجتماعی رخ می‌دهد.»^۱

روشن است که ایده شناخت مشترک، مبتنی بر هویت کشورها در روابط بین الملل است. پس بی دلیل نیست، اگر ما بگوئیم در سازه انگاری هر گاه هویت شکل بگیرد، سازنده تعریف آنها از منافع و امنیت و شناسایی جایگاهشان در نظام بین الملل است. بنابراین اگر بخواهیم دریابیم یک کشور چگونه هویت خود را تعریف کرده، ابتدا به هنجارها و ایده‌های آن کشور و به بر ساخته شدن هویت در تعامل با دیگر کشورها می‌نگریم، سپس به منافع که در تعامل دیگر کشورها ایجاد می‌شود، توجه خواهیم نمود. همین تفاوت و تحول هویت کشورها و رفتارهایشان در عرصه بین الملل موجب بوجود آمدن منافع آنها می‌باشد. بنابراین «منافع ناشی از روابط اجتماعی است و نمی‌توان به شکلی ماقبل تعاملی / ماقبل اجتماعی از منافع سخن گفت. هویت‌ها تجسم شرایط فردیتی هستند که کارگزاران از

۱. مشیرزاده، حمیرا، تحول در نظریه روابط بین الملل، انتشارات سمت، چاپ سوم ۱۳۸۶، ص ۳-۳۳۲.

طریق آنها با یکدیگر رابطه برقرار می کنند، از آنجا که این شرایط باعث می شوند کنشگران خود را ملزم به عمل در وضعیت های خاص ببینند به نحوی منافع آنها را تعریف می کنند. در همین راستا ونت معتقد است که هویتها اساس منافع هستند. منافع از قبل تعیین شده نیست بلکه در فرایند تعامل واحدها شکل می گیرد»^۱.

ونت بر آنست که خود یاری یک کشور، بستگی به برداشت آن از امنیت، می تواند به سه دسته تقسیم شود «خودیاری یک نهاد (به عنوان یک واحد ادراکی) است و یکی از نهادهایی است که می تواند در شرایط آنارسی وجود داشته باشد و این تنها شکل ممکن نیست. بسته به میزان یگانگی خود و دیگری و برداشت از امنیت می تواند رقابتی (مدل هابزی) فرد گرایانه (مدل لاکبی) یا مبتنی بر همکاری (مدل کانتی) باشد، نه آنکه لزوماً رقابتی و تعارض آمیز باشد. آنارسی آن چیزی است که دولت ها از آن می فهمند. آنارسی از این منظر نه لزوماً تعارض آمیز است و نه مبتنی بر همکاری، زیرا دو ساختاری که در سیاست بین الملل رفتار دولتها را تعیین می کنند عبارتند از آنارسی و ساختار هویتها و منافع در نظام که به شکلی بنیادینی تکوین می باید»^۲.

بنابراین عمل دولتها، بر اساس معانی پدیده هاست. و تعامل میان آنها می تواند فرایندی ایجاد نماید که این فرایند تعیین کننده نوع رو در رویی با یکدیگر باشد. طبق گفته ونت می تواند آنارسی را تعارض آمیز یا مبتنی بر همکاری بسازند بر این اساس آنارسی به خودی خود معنای خاصی ندارد. بلکه بر ساخته شدن تعاملات است که نوع تقابل دولتها را با یکدیگر تعیین می نماید.

۱. سازمند، بهاره، تحلیل سازه انگارانه از هویت ملی در دوران جنگ تحمیلی، فصلنامه مطالعات ملی ۲۲، سال ششم، شماره ۲،

۱۳۸۴

۲. مشیرزاده، حمیرا، تحول در نظریه روابط بین الملل، انتشارات سمت، چاپ سوم ۱۳۸۶، ص ۳۴۶.

دولت در نگاه سازه انگاری

دولت در سازه انگاری تفاوت اساسی با واقع گرایی و نولیبرالیسم دارد. و تنها دولت مورد توجه سازه انگاران به عنوان تنها کنشگر نیست بلکه به کنشگران دیگر هم توجه دارند. هرچند توجه شان کمتر است ولی به لحاظ نظری نسبت به کنشگران غیر دولتی وابسته نیستند. تصمیمات سیاست خارجی از دو جهت مورد تأکید است «تصمیمات سیاست خارجی از یک سو تحت حاکمیت معانی ای اند که دولت به ابژه‌های اجتماعی می‌دهند و از سوی دیگر فهمی که از خود دارند. بدین ترتیب توجه مشترک همه سازه انگاران، چگونگی ساخته شدن هویت دولت است»^۱

بنابر این دولت صرفاً یک سازمانی حقوقی نیست بلکه مجموعه‌ای است که از هنجارها و انگاره‌هایی تشکیل شده است که ریشه در فرهنگ ملت دارد و این فرهنگ هویت دولت را تشکیل می‌دهد. پسوند برخی از دولت‌ها هم مؤید این نظر سازه انگاران است که دولت صرفاً مبتنی بر انگاره‌هاست دولت اسلامی، دولت لیبرال، دولت کمونیستی و ... ریشه در فرهنگی دارد که به آن دولت به عنوان اسلامی، لیبرال و یا کمونیست شکل داده است و تعامل کنشگران او را به این عنوان شناسایی کرده است.

حاکمیت در سازه انگاری

از نگاه سازه انگاران حاکمیت نیز بر ساخته می‌شود و این برساختگی زمانی انجام می‌گیرد که در درون چارچوبی اجتماعی قرار گیرد پس حاکمیت یک مفهوم اجتماعی است که برجسته ترین خصوصیت در نظام بین الملل می‌باشد. بر ساختگی حاکمیت، عمدتاً از طریق شناسایی است و ایجاد یک دولت بر اثر تحولی مانند جنگ یا انقلاب و شناسایی آن توسط سایر کنشگران به برساختگی

۱. همان، ص ۳۵۷.

حاکمیت کمک می کند. افزایش حوزه نفوذ، تعامل فرا منطقه ای، جنگ، صلح و... همه می تواند با شناسایی سایرین و قبول آن دولت؛ به عنوان یک کنشگری که حوزه نفوذ حاکمیت آن می تواند تا از مرزهایی متنوع عبور نماید، به برساختگی حاکمیت و تعریف جدید حاکمیت آن دولت کمک کند. اما این قوام یافتگی نیز مبتنی بر رویه هایی است که بر اثر تعامل و فهم کنشگران از یکدیگر شکل می گیرد.

ه) نظریه اسلام

جامعیت دین اسلام باعث شده است که صلح در اسلام جایگاه ویژه ای داشته باشد و روابط یک کشور و دولت اسلامی با سایر دول را تعیین نماید. اسلام به بحث صلح صرفاً به معنای فقدان جنگ و تهدید پرداخته است، بلکه از صلح به معنای ایجابی آن در اسلام یاد می شود. هر چند در احکام جهاد دستورالعمل هایی نیز برای آتش بس آمده است. پیش از این، موضوع صلح به معنای امروزی آن که غالباً با نگاهی ایجابی بدان نگریسته می شود؛ مد نظر نبوده و یکی از موضوعات امنیت محسوب می شده و غالباً منحصر در قرار دادهای صلح بین دو کشور متخاصم بوده است. گو این که این نگاه هنوز هم وجود دارد. اما امروزه صلح از مسائل مورد اهتمام اندیشمندان اسلامی گردیده، که به اجتهاد، و برداشت خود از آیات و روایات جهاد می پردازند. البته آیات جهاد و قتال در قرآن باعث سوء برداشت هایی از ناحیه ی مستشرقین و برخی از اندیشمندان غربی گردیده است. اما با تأمل و تدبر در آیات قرآن، می توان به جایگاه و اهمیت صلح در اسلام پی برد زیرا اکثریت قاطع آیات قتال برای جهاد دفاعی است و اسلام برای جان انسان ها احترام قائل است. فقهای اسلام نیز به مسئله صلح در ابواب مختلفی پرداخته اند. این موضوع در کتب فقهی در ذیل موضوعاتی چون جهاد و بیع آمده است. در نتیجه می توان گفت موضوع صلح در اسلام حائز اهمیت بسزایی است و تعالیم آن، از آن جا

که بر مبنای فطرت انسانی است با جنگ سازگاری ندارد و در روابط با ملل دیگر، اصالت را به صلح می دهد.

(1) مفهوم صلح عادلانه در اسلام:

در اسلام، مفهوم صلح دارای دو معنا است. یک معنای آن آشتی و مسالمت، سازش و سازگاری است و کلمات صلاح و صالح که به معنی رفتار مطابق با عدل و انصاف و شایسته و به دور از هرگونه فساد و نیز اصلاح به معنی صلح و الفت از همین واژه ریشه اند. خداوند در قرآن می فرماید: «فاتقوا الله واصلحوا ذات بینکم»^۱ یعنی میان برادرانی را که با هم ستیزه دارند آشتی دهید.

معنای دیگر صلح در قالب واژه سلم در قرآن آمده است در معنای «سلم» گفته شده: آشتی و صلحی که در مقابل جنگ باشد^۲ همچنین در سوره بقره آمده است که: «یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه...»^۳؛ «ای مؤمنین، همگی در صلح و سلم درآئید» هر دو واژه صلح و سلم چند بار در قرآن کریم مورد استفاده قرار گرفته است و معانی عمیق دارد و نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

برای شناخت عمیق تر صلح در اسلام، باید واژه جهاد را بررسی کرد. در تعریف جهاد باید گفت، منظور از آن عبارت است از کوشش و بذل مساعی در جهت اعتلای کلمه الله و تحقق حاکمیت الهی بر روی زمین. بنا بر این جهاد و جنگ در اسلام صرفاً ساقط کردن حکومت و یا تصرف سرزمین نمی باشد، بلکه دعوت از مردم دیگر سرزمین‌ها برای پذیرفتن پرستش خداوند و

۱. سوره انفال، آیه ۱.

۲. علی اکبر، دهخدا، لغت نامه، تهران، چاپ دانشگاه تهران ۱۳۷۷، شماره مسلسل ۱۲۲، ص ۶۰۰.

۳. سوره بقره، آیه ۲۰۸.

دوری از شرک و بت پرستی است. در سایر موارد بحث از جنگ به خاطر دفاع از کیان مسلمین می باشد.

بنابر این، صلحی که اسلام می خواهد، با آن معنایی که امروز از صلح در میان دولت ها متعارف است، فرق دارد. صلح اسلامی دارای معنی عمیق و وسیع تری بوده و آن عبارت است از همزیستی و سازشی که تحت نام خدا، که در چارچوب عدالت و امنیت اجتماعی و عمومی، و برای همه مردم است، روی کره زمین برقرار سازد. در برقراری صلح همه ی انسان ها مسئولیت دارند و در سطح نظام بین المللی موجود از آنجا که دولت ها همچنان نقش تأمین کننده در وضع سیاست ها و راهبردهای صلح ایفا می نمایند، مهم ترین مسئولیت و وظایف برقراری صلح از آن دولت ها می باشد.

صرف خودداری از جنگ، در حالی که ظلم و زور و جهل و فساد مردم جهان فرا گرفته است. از نظر اسلام صلح تلقی نمی شود. مفهوم صلح از نظر اسلام صلحی است، که در آن همه ابناء بشر در یک فضای آزاد و آرام فکری برای تبلیغ و نشر خداپرستی و تحقق کلمه الله و تحکیم حاکمیت الهی بدون دغدغه خاطر با هم زندگی کنند و در کمال آزادی و استقلال از عدالت اجتماعی همه جانبه ای که خداوند برای آنها مقرر فرموده بهره مند گردند.

از سوی دیگر از دیدگاه اسلام برقراری صلح در روابط میان کشورها منوط به شرایطی است. در این رابطه، روابط یک دولت اسلامی با سایر کشورها بسته به نوع کشور مقابل و کنش آن متفاوت می باشد. از جمله ی آن مربوط به روابط یک کشور اسلامی با کشورهای غیر مسلمان است در این حالت دو نظریه وجود دارد که به صورت خلاصه بررسی می شود.

3) نظریه اصالت جنگ:

کسانی که قائل به اصالت جنگ در روابط کشورهای اسلامی با کشورهای غیر مسلمان هستند، به دو دسته از دلایل استناد کرده اند که به طور اجمال به هر یک آنها می پردازیم.

طرفداران این نظریه با استناد به برخی از آیات جهاد بر آن هستند که این آیات بدون هیچ قید و شرطی جهاد با کفار را واجب دانسته است و قیدی مبنی بر اینکه با غیر مسلمین صلح شود ندارد. بنابراین صراحتاً دستور به قتال داده شده است. مگر در صورت اسلام آوردن، که در این صورت باید از کشتن آنها دست برداشت. در برخی از آیات سستی کنندگان نسبت به جنگ مذمت شده است و برخی از آیات نیز بالا ترین ارزش را جهاد در راه خدا بیان کرده است.

سوره توبه آیه 5:

«فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْضَرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

«(اما) وقتی ماههای حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید و آنها را اسیر

سازید و محاصره کنید و در هر کمینگاه، بر سر راه آنها بنشینید! هر گاه توبه کنند، و نماز را برپا

دارند، و زکات را پردازند، آنها را رها سازید زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است!»

این آیه از جمله آیاتی است که قائلین به اصالت جنگ به آن استناد می کنند و به آیه سیف

معروف است. و در آن به مسلمانان دستور داده شده که پس از پایان ماههای حرام مشرکان را بکشند

و در صورتی که توبه کردند آنها را رها سازند. در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده است: «در اینجا چهار دستور خشن در مورد آنها دیده می شود: " بستن راهها، محاصره کردن، اسیر ساختن، و بالآخره کشتن " و ظاهر این است که چهار موضوع به صورت یک امر تخییری نیست، بلکه با در نظر گرفتن شرایط محیط و زمان و مکان و اشخاص مورد نظر، باید هر یک از این امور که مناسب تشخیص داده شود، عملی گردد. اگر تنها با اسارت و محاصره کردن و بستن راه بر آنها در فشار کافی قرار گیرند، از این راه باید وارد شد^۱

طبرسی در تفسیر خود می نویسد: این آیه ناسخ هر آیه ای است که درباره صلح و خود داری از جنگ با آنها نازل شده بود.^۲

بنا بر این از ظاهر آیه می توان این نکته را فهمید که قرآن از پیروان خود می خواهد که با مشرکان بجنگند و این نشان دهنده اصالت جنگ است.

سوره توبه آیه 9:

«قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ»

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب اسلامیه ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۹۴.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۲۰.

«با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا، و نه به روز جزا ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و رسولش
تحریم کرده حرام می‌شمرند، و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم،
جزیه را به دست خود پردازند»

آیه فوق نیز دلیل دیگری بر این است که اصل اولیه، جنگ است. شیخ طوسی در التبیان آورده
است: «آیه 29 توبه، امر از سوی خدا به پیامبر و مؤمنان است که با غیر معترفان به وحدانیت الهی و
غیر مقران به روز جزا و بعث و شور، قتال و کارزار نمایند.»^۱

و در تفسیر مجمع البیان نیز درباره لغت صاغرون چنین آمده است:

«وَهُمْ صَاغِرُونَ» یعنی در حال خواری و مغلوبیت که آنها را به اجبار به جایگاه پرداخت جزیه
ببرند و بدین ترتیب جزیه را پردازند، و از عکرمه نقل شده: یعنی آنها در حال ایستادن جزیه پردازند
و گیرنده آن در حال نشستن آن را دریافت کند^۲

آیه 4 سوره صف:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ
بُنْيَانٌ مَرْصُومٌ»

«خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند گویی بنایی آهنین اند!»

شیخ طوسی ذیل آیه شریفه چنین می‌نویسد: معناه إنه تعالی یحب من یقاتل فی سبیله و یجاهد

أعداء دینه و یزید ثوابهم و منافعهم^۱

۱. الطوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، تحقیق و تصحیح احمد حبیب
قصیر، ج ۵، ص ۲۰۲.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۶۹.

علامه طباطبایی نیز در بیان این آیه در تفسیر المیزان می نویسد: این آیه شریفه جنبه تعلیل را دارد- البته با دلالت التزامی- و توییح قبلی را تعلیل می کند. به این بیان که وقتی خدای تعالی از مقاتلان، آن کسانی را دوست می دارد که چون کوه ایستادگی کنند، قهرا از مقاتلانی که وعده پایداری می دهند، ولی پایداری نمی کنند و پا به فرار می گذارند، خشمگین خواهد بود.^۲

آیه 123 سوره توبه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَ لِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» «ای کسانی که ایمان آورده اید! با کافرانی که به شما نزدیکترند، پیکار کنید! (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند!) آنها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) احساس کنند و بدانید خداوند با پرهیزگاران است!».

علامه طباطبائی در ذیل آیه می گوید: «در این آیه شریفه دستور جهاد عمومی داده شده تا از هر طرف در دنیا، اسلام گسترش یابد، چون وقتی می فرماید: هر طائفه از مؤمنین باید با کفار هم جوار خود کارزار کنند، معنایش همان گسترش دادن اسلام و برقرار کردن سلطنت اسلام است بر دنیا»^۳

این آیه نیز تاکید بر پیکار با کافران دارد و کسانی که نزدیکترند را در اولویت قرار داده است، و توصیه می کند به گونه ای بجنگید که شدت و خشونت را در شما احساس کنند.

آیه 190-194 سوره بقره:

۱۱. لطوسی، ابوجعفر محمدبن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، تحقیق و تصحیح احمد حبیب قصیر، ج ۵، ص ۵۹۲.

۲. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۴۲۰.

۳. المیزان، ج ۹، ص ۵۵۱.

«و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (190) وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَ أَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجَكُمُ وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلَكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (191) فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (192) وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الَّذِينَ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ (193)»، «و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حدّ تجاوز نکنید، که خدا تعدّی کنندگان را دوست نمی‌دارد! (190) و آنها را [بت پرستانی که از هیچ گونه جنایتی ابا ندارند] هر کجا یافتید، به قتل برسانید! و از آن جا که شما را بیرون ساختند [مکه]، آنها را بیرون کنید! و فتنه (و بت پرستی) از کشتار هم بدتر است! و با آنها، در نزد مسجد الحرام (در منطقه حرم)، جنگ نکنید! مگر اینکه در آن جا با شما بجنگند. پس اگر (در آن جا) با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانید! چنین است جزای کافران! (191) و اگر خودداری کردند، خداوند آمرزنده و مهربان است. (192) و با آنها پیکار کنید! تا فتنه (و بت پرستی، و سلب آزادی از مردم) باقی نماند و دین، مخصوص خدا گردد. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید! زیرا) تعدّی جز بر ستمکاران روا نیست. (193)».

در این آیه نیز جنگ و مقاتله تجویز شده است. در تفسیر مجمع البیان، ذیل این آیات می‌نویسد: در این آیات هدف اساسی از جنگ بیان شده است که با کفار و مشرکان بجنگید تا «فتنه» (که بقول ابن عباس و قتاده و مجاهد و نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده همان مشرک است) ریشه کن شود و تنها دین و اطاعت از فرمان خدا یا تنها اسلام باقی بماند و اسلام بر همه دین‌ها غالب و

پیروز گردد. اگر اینان پذیرفته و از شرک و گناه امتناع ورزیدند و بازگشتند بر آنان عقوبت و کیفری نخواهد بود و تنها کیفر قتل، برای کفار است که هم چنان به شرک و کفر خود باقی میمانند.^۱

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می گوید: «سیاق آیات شریفه دلالت دارد بر اینکه همه یکباره و با هم نازل شده و اینکه همه یک غرض را ایفا می کنند، و آن عبارت است از فرمان جنگ برای اولین بار با مشرکین مکه»^۲ ایشان معتقدند این آیات حکم قتال را با لوازم و ملزوماتش تشریح کرده است زیرا در جمله قاتلوا... اصل جنگ با مشرکان را تجویز می کند و جمله وقتلوه... تشدید حکم را می رساند لاتقاتلوه... محدودیت از حیث مکان را بیان می کند و جمله و قاتلوه... حتی لاتکون فتنه... محدودیت از حیث زمان و باصطلاح مهلت یا مداومت را می رساند الشهر الحرام... اشاره به معامله به مثل در جنگ دارد و جمله انفقوا فی سبیل الله که در آیه بعد آمده نیز اشاره به انفاق برای تجهیز سپاهیان اسلام دارد که مقدمه جنگ است.^۳

آیات فوق تنها نمونه ای از آیاتی است که قائلین به اصالت جنگ به آن استناد می کنند و غیر از آیات فوق الذکر تعداد آیات دیگری نیز وجود دارد که به جهت اختصار از آوردن آن صرف نظر می کنیم. این گروه به روایات زیادی نیز استناد کرده اند و مقصود خود را مبنی بر اصالت جنگ به وسیله آن تبیین نموده اند که به عدم اطاله بحث از آوردن آن خودداری می کنم.

(3) نظریه اصالت صلح:

۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۲۳۳.

۲. المیزان ج ۲ ص ۸۷.

۳. ر.ک تفسیر المیزان ج ۲ ص ۸۷-۹۰.

معتقدان به این نظریه اصل در روابط دولت اسلامی با دولتهای غیر مسلمان را بنا بر صلح قرار داده و جنگ را امری غیر طبیعی و استثنایی می دانند دلایل این گروه نیز تعدادی از آیات و روایات می باشد که به بخشی از آیات اشاره می کنیم

آیه 208 سوره بقره:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»
 «ای کسانی که ایمان آورده اید همگی در صلح و آشتی درآید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست».

در تفسیر نور در ذیل آیه سه گروه را که قرآن ایجاد رابطه مسالمت آمیز را با آنان مطرح کرده است را ذکر می کند: «قرآن، ایجاد رابطه ی مسالمت آمیز با گروه های زیر را مطرح کرده است:

1- با مشرکان بی آزار. «لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ»؛ «با کسانی که سر جنگ با شما ندارند و مزاحم وطن شما نیستند، خوش رفتاری کنید».

2- با اهل کتاب. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ»؛ «به اهل کتاب بگو: بیاید تا در آنچه ما و شما هم عقیده هستیم، متحد باشیم».

3- با دیگر مسلمانان. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي

السَّلَامِ كَافَّةً» در چند آیه قبل درباره اجتماع بزرگ سیاسی عبادی حج فرمود: در آنجا فسق و جدال نباشد.^۱

البته خطاب صدر آیه صرفاً مومنین هستند و تسری آن بر غیر مومنین صحیح نمی باشد. ولی توجه دین اسلام به صلح و سفارش به مومنین به وارد شدن در صلح برای ایجاد جامعه ای است که کلا در امنیت و آرامش است و اصولاً این جامعه نمی تواند به جز صلح با دیگر دولتها راهبرد دیگری داشته باشد. سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن ذیل آیه مبارکه فوق می نویسد: «مسلمان با قبول این دعوت الهی در عالمی وارد می شود که همه اش سلم و سلام است، همه اش اطمینان و رضایت است، صلح و سلام با خود، با عقل و منطق، با مردم و زندگان و همه موجودات، این صلح و سلامی است که بر زندگی و جامعه سایه می افکند.»^۲

آیه 90 سوره نساء:

«فَإِنْ اِغْتَرَزْتُمْ فَلَمَّ يُقَاتِلُوكُمْ وَ اَلْقُوا إِلَيْكُمُ
السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا»

«پس اگر از شما کناره گیری کرده و با شما پیکار نمودند، (بلکه) پیشنهاد صلح کردند، خداوند به شما اجازه نمی دهد که متعرض آنان شوید.»

در این آیه خداوند به مومنین اجازه حمله و تعرض به کفار را نمی دهد. در صورتیکه آنها قصد حمله به مسلمانها را نداشته باشند. مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان بر آن است که دو گروه از

۱. قرائتی محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، تهران ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۲۷.

۲. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۲۹۸.

دستور خداوند بر رفتار خصمانه با مشرکین که در آغاز آیه آمده است استثناء شده اند¹ - کسانی که بین آنان و مسلمانان پیمانی منعقد شده باشد. 2- کسانی که از مقابله با مسلمانان و نیز هم کیشان خود خودداری کرده و از مومنان تقاضای صلح و مسالمت کنند.¹

بنا بر این در این آیه خداوند به مسلمانان دستور می دهد، با کفاری که با شما جنگی ندارند و به پیمانشان عمل می کنند، با صلح و مسالمت رفتار نمایید. بنابراین رابطه اولیه با اینگونه از انسانها صلح می باشد. چرا که اگر مشرکین و یا کفار به کشور اسلامی حمله نمایند، مسلمانان در مقابل متجاوز، صرف نظر از دین و قومیت باید مقابله کرده و ایستادگی نمایند. اما در زمانی که غیر از حالت جنگ باشد مسلمین هم باید رفتاری مسالمت آمیز داشته باشد.

آیه 61 سوره انفال:

«وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» «و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح در آی و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست!»

در این آیه دستور به صلح داده شده است. آن هم در صورتی که تمایل داشتند، در آیه نیامده است اگر دشمنان پیشنهاد صلح داشتند بلکه گفته شده است و ان جنحوا یعنی اگر تمایل داشتند. و این تعبیر خود می تواند گویای این باشد که اسلام اساسا در رابطه با کشورهای غیر مسلمان بر صلح تأکید می نماید.

۱. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیرالقران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۴۶.

در تفسیر نمونه، در ذیل آیه آمده است: «جنحوا» از ماده «جنوح» به معنی «تمایل» آمده و به پرندگان نیز جناح گفته می شود. زیرا هر یک از بالهای آنها به یک طرف متمایل است. بنا بر این در تفسیر آیه هم از ریشه لغت می توان استفاده کرد و هم از مفهوم ثانوی آن. و از آنجا که به هنگام امضای پیمان صلح، غالباً افراد گرفتار تردیدها و دودلی ها می شوند، به پیامبر دستور می دهد، در قبول پیشنهاد صلح تردیدی به خود راه مده و چنانچه شرائط آن منطقی و عاقلانه و عادلانه باشد آن را پذیر» و بر خدا توکل کن زیرا خداوند هم گفتگوهای شما را می شنود و هم از نیات شما آگاه است»^۱

آیه 60 سوره ممتحنه:

«عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَ اللَّهُ قَدِيرٌ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (7) لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (8) إِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَى إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (9)»

«امید است خدا میان شما و کسانی از مشرکین که با شما دشمنی کردند (از راه اسلام) پیوند محبت برقرار کند خداوند تواناست و خداوند آمرزنده و مهربان است. خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی کند چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب اسلامیة ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۳۰.

نهی می کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است!»

آیات فوق نیز از شواهدی است که قائلین به اصالت صلح بدان استناد می جویند. در تفسیر نمونه آمده است: «از این آیات "یک اصل کلی و اساسی" در چگونگی رابطه مسلمانان با غیر مسلمین استفاده می شود، نه تنها برای آن زمان که برای امروز و فردا نیز ثابت است، و آن اینکه مسلمانان موظفند در برابر هر گروه و جمعیت و هر کشوری که موضع خصمانه با آنها داشته باشند و بر ضد اسلام و مسلمین قیام کنند، یا دشمنان اسلام را یاری دهند سرسختانه بایستند، و هر گونه پیوند محبت و دوستی را با آنها قطع کنند. اما اگر آنها در عین کافر بودن نسبت به اسلام و مسلمین بی طرف بمانند و یا تمایل داشته باشند، مسلمین می توانند با آنها رابطه دوستانه برقرار سازند البته نه در آن حد که با برادران مسلمان دارند، و نه در آن حد که موجب نفوذ آنها در میان مسلمین گردد. و اگر جمعیت یا دولتی جزو گروه اول باشند و تغییر موضع دهند و یا به عکس در گروه دوم باشند و مسیر خود را تغییر دهند، باید وضع فعلی آنها را معیار قرار داد و طبق آیات فوق با آنها عمل کرد.»^۱

علامه طباطبایی نیز در پاسخ به کسانی که قایل به نسخ این آیه با آیات سوره توبه هستند می نویسد: بعضی از مفسرین گفته اند: این آیه شریفه با آیه "فَاَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ" نسخ شده. لیکن این نظریه درست نیست، برای اینکه آیه مورد بحث با اینکه مطلق است، شامل غیر اهل ذمه و اهل معاهده نمی شود، و کفاری که با اسلام سر جنگ دارند مشمول این

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب اسلامیة ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۳۱.

آیه نیستند، تا آیه سوره توبه ناسخ آن باشد، چون آیه مذکور تنها به کفار حربی و مشرکین نظر دارد، با این حال چطور می تواند ناسخ آیه مورد بحث باشد، با اینکه هیچ مزاحمتی بین آن دو نیست.^۱

در این آیه، روابط صلح آمیز به نحوی بسیار مستحکم ترسیم گردیده، و از جنگ نهی شده است و جنگ و کارزار را صرفاً به کسانی منحصر شده، که قصد جنگ و کشتار مسلمین را دارند. حتی قرآن به مسلمین توصیه می کند. در معاشرت با کفار با آنان به عدالت و قسط رفتار کنند پس بنابراین آیه فوق یکی از اصول مهم برای ایجاد برقراری صلح در عرصه بین الملل می باشد.

(4) اصالت صلح و استثناء جنگ

از بررسی دلائل قائلین به اصالت جنگ و نیز طرفداران اصالت صلح این نتیجه حاصل می شود که در مجموع نگرشی که به صلح می توان داشت به عنوان یک اصل حاکم بر روابط است و در این میان، جنگ یک استثناء می باشد. دلائل ذیل اصل بودن صلح در روابط و استثناء بودن جنگ را تبیین می کند.

1- ادله جهاد به جهاد دفاعی اختصاص دارد و قیود فراوانی آیات جهاد ابتدایی را محدود کرده است و عمدتاً این آیات به نحوی به دفاع از حقوق مسلمین بازگشت دارد. به این معنا که هنگامی که سرزمین، جان، مال و حاکمیت مسلمین مورد تعرض دشمنان قرار می گیرد مسلمین می بایست با شدت و غیرت از کیان خود دفاع نمایند. یکی از پژوهشگران مفهوم جهاد و دفاع را توسعه داده و چنین تقسیم بندی می نماید: «برخی از اندیشوران همه آیات جهاد را به نحوی به دفاع از حقوق مسلمانان بازگردانده اند، برای این کار در آغاز مفهوم دفاع را توسعه داده اند به این معنا که: اولاً: دفاع هم به مواردی صدق می کند که دشمن حمله را آغاز کرده و هم مواردی که انجام حمله دشمن در آینده

۱. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیرالقران، دفترانتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۴۰۰.

قطعی است و مسلمانان جهت پیشگیری آغاز به جنگ کنند، شلتوت در این باره می گوید: مسلمانان با تکیه بر قاعده فطری اجتماعی که امیرمؤمنان علی (ع) بیان کرده اند [می جنگیدند]. هرگاه روح دشمنی و تجاوز در کفار زنده می شد به جنگ با آنان بر می خواست و منتظر تجاوز ایشان نمی ماندند. ثانیاً: دفاع هم از سرزمین و جان و مال مردم است و هم دفاع از دین مردم؛ و در مواردی که دشمنان از تبلیغ دین، ایمان آوردن مردم و انجام فرایض و اعمال دینی ممانعت کنند، برخورد با آنان ماهیت دفاعی پیدا می کند. ثالثاً: دفاع برای حفظ حاکمیت اسلام در سرزمین هایی که اکثر آنان مسلمان هستند معنا پیدا می کند و جامعه اسلامی می تواند با شیوه برخورد خود، زمینه حاکمیت اسلام را در این جوامع فراهم سازد.^۱

آیاتی که در استناد به اصالت جنگ در روابط دولت اسلامی با دولت غیر اسلامی وارد شده است، عمدتاً مقید هستند و به واسطه علتی آیه قتال نازل شده است. آیات جهاد، دلیل بر این نیست که دولت اسلامی بدون هیچ علتی و صرفاً برای اسلام آوردن کفار یا مشرکین، این مجوز را داشته باشد که به آنها حمله کند، بکشد و اسیرشان نماید. و حرمت انسانی آنها را از بین ببرد بلکه آیات جهاد غالباً برای رفع فتنه گری و توطئه دشمنان مسلمین نازل شده است. یکی از پژوهشگران می نویسد:

«حقیقت آن است که از آیات فراوان بحث شده، هیچ کدام بر جهاد ابتدایی علی الاسلام به معنای خاص؛ یعنی جهاد برای وادار کردن مشرکان به اسلام دلالت نداشت، بلکه جهاد ابتدایی به

۱. جنگ و صلح از دیدگاه قرآن دکتر کاظم قاضی زاده، مجله علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۳۴، تابستان ۸۵.

معنای عام؛ یعنی جهاد برای پایان دادن به فتنه گری مشرکان، نجات مظلومان و مستضعفان از ستم مشرکان، بسط و گسترش حاکمیت سیاسی اسلام از آیات قرآن به روشنی استفاده می شود.^۱

علامه طباطبایی ذیل آیات 190-195 می فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ . . .» قتال به معنای آن است که شخصی قصد کشتن کسی را کند، که او قصد کشتن وی را دارد، و در راه خدا بودن این عمل به این است که غرض تصمیم گیرنده اقامه دین و اعلاهی کلمه توحید باشد، که چنین قتالی عبادت است که باید با نیت انجام شود، و آن نیت عبارت است از رضای خدا و تقرب به او، نه استیلا بر اموال مردم و ناموس آنان. پس قتال در اسلام جنبه دفاع دارد، اسلام می خواهد به وسیله قتال با کفار از حق قانونی انسانها دفاع کند، حقی که فطرت سلیم هر انسانی به بیانی که خواهد آمد، آن را برای انسانیت قائل است، آری از آنجایی که قتال در اسلام دفاع است، و دفاع بالذات محدود به زمانی است که حوزه اسلام مورد هجوم کفار قرار گیرد، به خلاف جنگ که معنای واقعی تجاوز و خروج از حد و مرز است، لذا قرآن کریم دنبال فرمان قتال فرمود: «وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»، «تجاوز نکنید که خدا تجاوزکاران را دوست نمی دارد.»^۲

بنا بر این با بررسی دقیق ادله قائلین به جنگ که استناد به آیات جهاد نموده اند، مشخص می شود، از آیات جهاد نمی توان این برداشت را کرد که خداوند به مسلمین به طور مطلق جنگ با کفار را دستور داده باشد. به بیان دیگر نمی توان از آیاتی که ذکر شد، مجوز حمله به عموم کفار را برداشت کرد و کفر را سبب جواز جنگ با آنان و کشتن آنان دانست. در حالی که اگر کفر به تنهایی

۱. ورعی، جواد، مبانی فقهی جهاد، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ دوم ۱۳۸۹، ص ۷۴.

۲. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیرالقران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ج ۱۹، ص: ۸۹.

مجوز کشتن کافران باشد، پس چگونه است که کفار، در قالب قرارداد ذمه، می توانند در کشور اسلامی زندگی کنند. این در حالی است که در احکام اسلامی قرارداد ذمه معتبر شناخته می شود. بنابراین از آیات جهاد به طور مطلق نمی توان استنباط جنگ نمود. اکثر آیات جهاد مانند آیات 190-195 سوره بقره آیه ی 5، 9، 123 سوره ی توبه و .. مقید هستند و قیودی مانند جنگ با کسانی که برای کشتن مسلمانان آمدند، و یا جنگ با کسانی که آزادی عقیده مسلمین را ازسلب کرده اند و همچنین جنگ با فتنه گران و دیگر قیود، نشانه ای محکم بر ابطال نظر قائلین به اصالت جنگ می باشد. بنابراین نتیجه گرفته می شود با توجه به دلایل فوق، اسلام دینی است که صلح در آن اصالت دارد و دین رحمت برای همه انسان هاست. اسلام برای حفظ جان، مال، سرزمین و دین به مسلمین اجازه دفاع داده است و تا زمانی که یک کشور مسلمان از ناحیه غیر مسلمین احساس خطر نکند اصل را در روابط خود با آن کشورها بر مبنای صلح بنا خواهد نهاد.

5- دستاوردهای نظری

1. با بررسی مفاهیم صلح، مشخص گردید که حداقل دو تعریف ایجابی و سلبی درباره مفهوم صلح وجود دارد. دیدگاه اسلام و به تبع آن ایران اسلامی صرفاً معطوف به مفهوم سلبی آن نیست زیرا با رویکرد مخالف جنگ صلح پایدار حاصل نمی شود صلح واقعی و پایدار برآمده از وضعیتی است که در آن حقوق ملت ها رعایت شده و تمام بشریت بتوانند به حقوق مسلم خود دست یابند .
2. در روابط بین الملل موجود، گر چه بازیگران غیر دولتی در برقراری یا عدم برقراری صلح پایدار موثر می باشند اما همچنان صلح جهانی متأثر از سیاست قدرت و بازی میان دولت ها،

به ویژه قدرتهای بزرگ است. بنابراین رسیدن به صلح در مرحله نخست منوط به کارگزاران دولتی است که سیاست بین الملل را شکل می دهند. این کارگزاران باید خود قائل به برقراری صلح پایدار و عادلانه باشند.

3. بررسی نظریه های موجود به ویژه نظریه های رئالیستی و لیبرالیستی نشان می دهد که هر یک در پی برقراری صلح جهانی هستند اما مکانیزم های آنها به صلح و تعریف آنها از صلح متفاوت است. آنچه نظریه های موجود را از دیدگاه اسلام متمایز می سازد. در مرحله اول مربوط به تعریف صلح از منظر اسلام است. از دیدگاه اسلام، صلح جهانی باید عادلانه باشد و کارگزاران صلح باید عادل باشند. از این منظر صلح آن مقوله ای است که توسط دولت ها و ملت ها ساخته می شود. برقراری صلح جهانی در گرو کنش و رفتار دولت ها و ملت ها است.

4. نظریه ساز انگاری که قائل به سرشت اجتماعی روابط بین الملل است، می تواند در تحلیل و پردازش داده های اسلام و ایران اسلامی به صلح، به ویژه در مکانیزم های رسیدن به صلح، مفید باشد.

5. رویکرد جمهوری اسلامی ایران به صلح در عرصه روابط بین الملل، براساس آموزه های اسلام است. بنابراین مولفه های نظری حاکم بر رویکرد ایران اسلامی همان دیدگاه های اسلام در زمینه صلح می باشد.

6. رویکرد اسلام به صلح واقعی و پایدار در عرصه جهانی مبتنی بر رویکرد صلح عادلانه میان همه جوامع می باشد. این رویکرد نه تنها ضامن صلح پایدار در روابط میان دولتها است، بلکه تأمین کننده سعادت همه ملت ها در عرصه دنیوی و اخروی است. زیرا صلح واقعی در سایه تعالیم انبیاء الهی امکان پذیر می باشد.

7. رویکرد جمهوری اسلامی ایران به صلح در جهان امروز نیز رویکردی عدالت محور است که در طول زمان توسط کارگزاران صلح واقعی و بر اساس تعالیم الهی ساخته می شود. بنابراین در رویکرد ایران اسلامی باید جهان موجود تغییر یابد و جهان به سمت نظم جدیدی حرکت نموده و صلح عادلانه و پایدار ایجاد شود.

خلاصه فصل اول

مفهوم صلح، در سه معنا به کار می رود. معنای لغوی: دوستی، آشتی و سازش، معنای حقوقی: به معنای پایان ناسازگاری و نزاع بین دو یا چند نفر، معنای سیاسی: که پایان اختلاف و جنگ بین کشورها می باشد. اما صلح، دیگر صرفاً به معنای سلبی به کار نمی رود و با تحول مفهومی که در آن انجام شده، به معنای ایجابی به کار می رود. براین اساس صلح، با ایجاد برابری اجتماعی و آزادی فردی و اجتناب از زور حاصل می شود و دیگر به معنای فقدان جنگ نمی باشد.

مفهوم صلح در نظریه های روابط بین الملل جایگاه ویژه ای دارد. واقع گرایان ذاتاً بشر را جنگ طلب می دانند. بر اساس این نگاه انسان شناختی، کاهش جنگ بهترین حالت می باشد. واقع گرایان، طبیعت انسان را بد و انسانها را موجوداتی ذاتاً شرور می دانند. نقطه مقابل دیدگاه فوق نظریه لیبرالیسم است. ماهیت انسان از منظر لیبرالیسم، صلح جو و آرام است. بنابراین صلح از این منظر دائمی است و جنگ وضعیتی موقتی دارد.

در نظریه سازه انگاری که از ادبیات نظریه پردازی آن، برای توضیح صلح در این پژوهش استفاده می شود، صلح برساخته می شود و مبتنی بر واقعیت های عینی و ذهنی و نیز هویت کشورها در عرصه اجتماع بین الملل شکل می گیرد. بنابراین نظریه، انگاره ها، فرهنگ، دین و ساختارهای ذهنی در شکل گیری هویت کشورها تأثیر گذار است.

مفهوم صلح در نگاه اسلام نیز جایگاه ویژه ای دارد. در اسلام زیر بنای صلح را عدالت تشکیل می دهد. بنابر این با صلح مصطلح از منظر مکاتب مسلط در نظام بین الملل متفاوت است. برای بازشناسی

دقیق صلح در اسلام باید جهاد را دقیقاً بررسی کرد این مفهوم باعث دو رویکرد عمده در بین علمای اسلام شده است.

رویکرد اصالت جنگ، که اصل در روابط کشورهای اسلامی با کشورهای غیر مسلمان را با محوریت جنگ می داند، و رویکرد اصالت صلح که اصل در روابط دولتهای اسلامی با دولتهای غیر مسلمان را بر صلح می گذارد.

واقعیت آنست صرف نظر از اینکه صلح دچار تحول مفهومی گشته است، ادله اصالت جنگ قوی نیست. زیرا تمام آیات مقید هستند و جهاد ابتدایی را در زمان غیبت معصوم اثبات نمی کنند. بنابراین ما معتقد به نظریه اصالت صلح هستیم.